



## مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به انترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ [www.ufuqnews.com](http://www.ufuqnews.com)



737 Sunday 21 Dec, 2014 Year 03 Price: 10 Af قیمت: ۱۰ افغانی سال سوم ۱۳۹۳ ۳۰ قوس، ۲۳۷ یکشنبه

### ریاست اجرایی: هنوز روی اسامی نامزدوزیران گفت‌وگو نکرده‌ایم



### برنامه‌ی ایجاد ۵۸۰۰ کیلومتر خط آهن تا سال ۲۰۲۴



### افغانستان؛ جغرافیای مواد مخدر



### ۱۰ درس حزب نازی آلمان!



### نیمار: می‌توانیم ریال را در چمپیونز لیگ ببریم



## ۲۰۱۴، سال خونین برای غیر نظامیان؛

# تلفات افراد ملکی ۱۹ درصد افزایش یافته است



صفحه ۲

صفحه ۳

## تأثیر ناگوار طولانی شدن تشکیل کابینه

مجلس نمایندگان به رییس جمهور و رییس اجرایی هشدار داده است که تا یک هفته‌ی دیگر اعضای کابینه را به این مجلس معرفی کند. رییس جمهور بعد از ادای سوگند وعده داده بود که تا ۴۵ روز دیگر کابینه‌ی دولت را تشکیل می‌دهد و وزیران و والی‌های قبلی را به عنوان سرپرست معرفی کرد. بعد از گذشت شصت روز دیگر کابینه تشکیل نشد و مسئولیت وزارتخانه‌ها را به معین‌های مسلکی وزارت‌ها سپرد و وعده داد که تا سه هفته‌ی دیگر تمامی اعضای کابینه را به پارلمان معرفی می‌کند.

از آغاز به کار این حکومت که بر اثر توافق سیاسی تشکیل شد و هر دو دسته‌ی انتخاباتی بر تشکیل حکومت پنجاه-پنجاه و اشتراکی توافق کردند، این گمان وجود داشت که حکومت جدید با کشمکش‌های داخلی مواجه خواهد شد. اما با تشکیل این حکومت که از دل یک کشمکش طولانی انتخاباتی به وجود آمد و هر دو طرف اختلافاتشان را...



صفحه ۴

## هویت جهانی برای انسان؛ ماری ژوزف لافایت که بود؟

آزادی، دموکراسی و ارزش‌های حقوق بشری در ایالات متحده‌ی آمریکا، بیش از هر کشور دیگر ریشه‌دار است. پدران بنیان‌گذار آمریکا، سیستمی را ایجاد کردند که حالا شهروندانش با افتخار می‌گویند: ما پرچم‌دار آزادی در جهان هستیم. آمریکا نسبت به مهاجران و اقلیت‌های قومی-مذهبی، اهل مدارا است. مهاجران از کشورهای اروپایی، آفریقا، هند و دیگر نقاط جهان، در آزادی آمریکا و استقلال این کشور از انگلستان در سال ۱۷۷۶ میلادی، نقش داشتند. بی‌دلیل نیست که برخی‌ها می‌گویند، آمریکا «کشور مهاجران» است.

یکی از کسانی که اساس برابری، مدارا و حقوق بشر را در آمریکا بنا نهاد، ماری ژوزف لافایت، جنرال، متفکر و نظریه‌پرداز فرانسوی بود. لافایت اولین چهره‌ی مهم غیرآمریکایی بود که برای آزادی در جنگ استقلال آمریکا شرکت کرد و در صدد یک «هویت جهانی» برای انسان‌ها بود. لافایت (۱۷۵۷) در جنوب فرانسه در یک خانواده‌ی فرهنگی، اهل سیاست و امور نظامی متولد شد. در سال ۱۷۷۷ برای اولین بار به آمریکا رفت و برای آزادی و باورهایش در جنگ استقلال آمریکا جنگید تا به درجه‌ی جنرالی رسید.

لافایت در بخش دیپلماسی سهم بزرگی داشت و مفهوم ملی‌گرایی و حقوق شهروندی را...



<b>اطلاعات روز</b> <b>زیندخت</b>	
<span></span>	
یک شنبه	
۳۰ قوس	
۱۳۹۳	
سال سوم	
شماره ۷۳۷	
<span></span>	

## یادداشت روز

## طنین مرگ در زندگی افغان‌ها

.....*کله هادی صادقی*

فرستاده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان اعلان کرده است که میزان تلفات ملکی در افغانستان در پنج سال گذشته با ۱۹ درصد افزایش، به بلندترین سطح رسیده است. بر اساس گزارش آن‌ها، تنها در سال جاری میلادی ۹۶۱۷ تن از افراد بی‌گناه کشته شده‌اند. طالبان مسئول ۷۵ درصد کشتار غیرنظامیان شناخته شده است.

از سال ۲۰۰۹ تاکنون که سازمان ملل اقدام به ثبت تلفات ملکی در افغانستان کرده است، آمار تلفات غیرنظامیان همواره روند صعودی پیموده است. در گذشته نیز طالبان و دیگر گروه‌های شورشی تروریست بیش‌ترین تلفات ملکی را به خود اختصاص داده و در برخی موارد نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای ناتو نیز در این امر دخیل دانسته شده‌اند. گفته می‌شود بیش‌تر این تلفات ناشی از بمب‌گذاری‌های کنار جاده، رویدادهای انتحاری و یورش‌های مسلحانه‌ی مخالفان مسلح دولت بوده است. در سال‌های گذشته نیز همین‌ها عوامل اصلی تلفات غیرنظامیان گفته می‌شدند.

تلفات غیرنظامیان تراژدی ناتمام در افغانستان بوده که سال‌هاست گلیم مرگ را در خانه‌های مردم افغانستان پهن کرده است. بیش از سه دهه پیش هنگامی که نخستین گلوله‌های ناآرامی و بی‌ثباتی برای جنگ قدرت و حکومت به صدا درآمدند، ناقوس منحوس تلفات غیرنظامیان نیز نواخته شد و با گذشت بیش از سه دهه، هنوز طنین مرگ و کشتار در زندگی مردم افغانستان جاری و ساری است. طی این سه دهه تغییرات و دگرگونی‌های زیادی در سیاست، جامعه و فرهنگ افغانستان رونما گردیدند؛ اما چیزی که هیچ‌گاهی تغییر نکرد، تراژدی مرگ و کشتار غیرنظامیان است.

قربانی و تلفات، پدیده‌های ثابت در زندگی افغان‌ها در سه دهه‌ی اخیر بوده‌اند. از آغاز حضور جامعه‌ی جهانی و ایجاد نظام جدید که زمینه‌ی نفس کشیدن برای مردم افغانستان مساعد شد، انتظار می‌رفت که این پدیده‌های منحوس در زندگی افغان‌ها تغییر کند و صلح و آرامی به زندگی مردم افغانستان برگردد؛ اما چنین نشد. تحول و بهبودی چشم‌گیری در صلح و امنیت، این گم‌شدگان دیرین مردم افغانستان رونما نگردید و شیپور مرگ از شهرها و روستاهای افغانستان قطع نشد. تنها چیزی که تغییر کرد، ایجاد ابزارها و شیوه‌های جدید کشتار بود. ترور و انتحار به عنوان شیوه‌های تازه‌ی کشتار و تلفات، در زندگی مردم افغانستان رسم شد و هر شب و روزی شاهد قربانیان بیش‌تر و بیش‌تر در این جغرافیای فاجحه بودیم. مسئول بیش‌تر کشتارها و تلفات، تروریستان و مخالفان مسلح دولت شناخته شده‌اند. در تمامی گزارش‌ها و تحقیقاتی که در زمینه‌ی کشتار غیرنظامیان هرازچندگاهی صورت گرفته، مسئولیت بیش‌تر کشتار و تلفات به عهده‌ی طالبان و پس از آن نیروهای خارجی بوده است. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که نیروهای امنیتی افغانستان برخورد و رویه‌ی بهتری در جنگ داشته و هنجارها و مقررات حقوق بشری را در شرایط جنگی احترام کرده‌اند. دولت افغانستان و متحدان خارجی‌اش نتوانستند از مردم افغانستان در برابر این پدیده دفاع کنند. با این‌که ابزارها و شیوه‌های کشتار مردم افغانستان توسط تروریستان، شیوه‌های تکراری اند؛ اما دولت هرگز نتوانست در برابر این تاکتیک، روش‌های مؤثر حفاظت از جان غیرنظامیان را وضع کند.

در گیرودار جنگ و مصالحه طی سال‌های گذشته، اساسا مسئله‌ی کشتار غیرنظامیان به‌کلی فراموش گردیده و به عنوان یک موضوع پیش پا افتاده و حاشیه‌ای در خیال سیاست‌مداران ما و نیروهای خارجی مطرح بوده است. در چنین وضعیتی، امید چندانی به کاهش تلفات غیرنظامیان در افغانستان متصور نیست و به نظر می‌رسد که حداقل برای مدت‌های دیگر نیز مردم افغانستان این تراژیدی‌ها را تحمل نمایند. حداقل در چشم‌انداز کنونی، هیچ امیدی وجود ندارد و متأسفانه دورنما تاریک‌تر به نظر می‌رسد.

**اطلاعات روز:** سازمان ملل متحد با نشر گزارشی، سال ۲۰۱۴ را خونین‌ترین سال برای افراد ملکی در کشور خوانده و اعلام کرده است که در این سال تلفات غیرنظامیان ۱۹ درصد افزایش داشته است. بر اساس گزارش این سازمان، شمار قربانیان غیرنظامی در یازده ماه سال روان به ۹۶۱۷ تن می‌رسند که شامل ۳۱۸۸ کشته و ۶۴۳۹ زخمی می‌شود.

در این گزارش شورشیان طالب، شبکه‌ی تروریستی حقانی و سایر گروه‌های شورشی مسئول ۷۵ درصد این تلفات شناخته شده‌اند. نیروهای حکومت تنها

**اطلاعات روز:** ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی در واکنش به نشر گزارش‌ها مبنی بر معرفی هشت نامزدوزیر برای دریافت رای اعتماد به مجلس نمایندگان می‌گوید که هنوز بین رییس جمهور و رییس اجرایی روی اسامی نامزدوزیران هیچ گفت‌وگویی صورت نگرفته است.

آصف آشنا، معاون سخنگوی ریاست اجرایی به روزنامه‌ی اطلاعات روز گفت که دو طرف روی اعلام هرچه زودتر نامزدوزیران چند وزارت کلیدی توافق کرده‌اند، اما هنوز در مورد اسامی و نام افراد گفت‌وگو نکرده‌ایم. آقای آشنا افزود، گفت‌وگوی درونی حکومت وحدت ملی در روزهای آینده روی اسامی افراد برای انتخاب وزارت‌ها آغاز می‌شود. معاون سخنگوی ریاست اجرایی در ادامه تأکید کرد، وقتی اشرف غنی و عبدالله روی اسامی نامزدوزیران توافق کنند، رییس جمهور و رییس اجرایی این موضوع را رسماً به مردم اطلاع خواهند داد. اما او گفت که به احتمال زیاد، شماری از

**اطلاعات روز:** مسئولان اداره‌ی راه آهن در کشور اعلام کردند که برنامه‌ی ایجاد بیش از ۵۸۰۰ کیلومتر خط آهن تا سال ۲۰۰۴ تنظیم و ترتیب شده است. به گفته‌ی آنان، با عملی شدن این برنامه‌ی جدید، افغانستان تا یک دهه‌ی دیگر به چهارراه ترانزیتی کشورهای منطقه تبدیل می‌شود. محمد یما شمس، رییس عمومی اداره‌ی راه آهن دپروز به پژواک گفت که برنامه‌ی استراتژیک به مطالعات ابتدایی، تخنیکی و اقتصادی ضرورت دارد؛ در حال حاضر مطالعات

**اطلاعات روز:** طالبان از استخراج غیرقانونی معادن طلا، لاجورد و هم‌چنان از قاچاق مواد مخدر در کشور سود می‌برند. مقام‌های محلی ولایت بدخشان دپروز اعلام کردند که معدن طلا در ولسوالی راغستان و معدن لاجورد در ولسوالی‌های کران و منجان این ولایت از چندی بدین‌سو به گونه‌ی غیرقانونی استخراج و طالبان از آن سود می‌برند. به گفته‌ی آنان، استخراج غیرقانونی این معادن در تمویل و تجهیز گروه طالبان در این ولایت نقش کلیدی داشته است. گل محمد دیدار،

مسئول ۱۲ درصد تلفات افراد ملکی ساخته شده‌اند. نیکولاس هسیم، فرستاده‌ی سازمان ملل (یوناما) در کشور گفته است که آمار تلفات غیرنظامیان افغان در پنج سال اخیر به بالاترین سطح رسیده است.

رییس یوناما می‌گوید که برای کاهش تلفات غیرنظامیان گفت‌وگو با طرف‌های درگیر جنگ ادامه دارد. از سویی هم، جورجت گانگن، رییس بخش حقوق بشر دفتر هیأت کمک سازمان ملل در کشور در مقر این سازمان در نیویورک گفت، بمب‌گذاری، حملات انتحاری و سایر انواع حملات

نامزدوزیران بین دو تا سه روز آینده مشخص و برای دریافت رای اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی خواهند شد.

این در حالی است که برخی از رسانه‌ها به نقل از منابعی گزارش دادند که قرار است ۸ نامزدوزیر کابینه‌ی جدید و رییس امنیت ملی به روز دوشنبه‌ی هفته‌ی روان برای دریافت رای اعتماد به مجلس معرفی شوند. طلوع نیوز گزارش داد که ۴ تن توسط اشرف غنی و ۴ تن دیگر از سوی عبدالله و یک تن دیگر به‌طور مستقل معرفی می‌شوند.

در این گزارش نام‌های فضل احمد معنوی به عنوان نامزدوزیر وزارت داخله، شیر محمد کریمی، نامزدوزیر وزارت دفاع، صلاح‌الدین ربانی، نامزدوزیر وزارت خارجه، جیلانی پوپل، نامزدوزیر وزارت مالیه، سعادت نادری، نامزدوزیر وزارت کار و امور اجتماعی و گلزی به‌حیث نامزدوزیر وزارت انکشاف دهات آمده است.

بر اساس این گزارش، سردار محمد رحیمی به

## ۲۰۱۴، سال خونین برای غیرنظامیان؛ تلفات افراد ملکی ۱۹ درصد افزایش یافته است

پیچیده‌ی این گروه‌ها، باعث افزایش تلفات غیرنظامیان شده است.

بر اساس این گزارش، تلفات کودکان نسبت به سال گذشته ۲۳ درصد و تلفات زنان ۱۲ درصد افزایش یافته است. این رقم، بالاترین سطح آمار تلفات غیرنظامیان در کشور را از سال ۲۰۰۹ بدین‌سو نشان داده است. یوناما احتمال داده که آمار تلفات غیرنظامیان تا آخر سال جاری میلادی از مرز ۱۰ هزار هم خواهد گذشت که تاکنون سابقه نداشته است. نیکولاس هسیم از انفجار انتحاری شورشیان در میان تماشاجیان بازی والیبال در ولایت پکتیکا

### ریاست اجرایی: هنوز روی اسامی نامزدوزیران گفت‌وگو نکرده‌ایم

نکند، این مجلس در این مورد یک تصمیم جدی اتخاذ می‌کند. او در ادامه افزود که دوام سرپرستی حکومت، کشور را با بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کرده و این مخالف قانون اساسی است. اشرف غنی در روزهای اول کاری خود اعلام کرد که تا ۴۵ روز اعضای کابینه‌ی جدید

معرفی می‌شوند، اما با تکمیل این موعد اعضای کابینه‌ی جدید معرفی نشدند و پس از آن رییس جمهور پیش از نشست لندن در یک نشست خبری مشترک با عبدالله در کابل گفت که بین دو تا چهار هفته‌ی آینده کابینه‌ی جدید معرفی می‌شود. در حال حاضر بیش‌تر از دو هفته از این مهلت می‌گذرد؛ اما هنوز نامزدوزیران معرفی نشده‌اند. تأخیر نزدیک به سه ماه در معرفی کابینه‌ی جدید، تأثیر منفی بر وضعیت امنیتی و اقتصادی گذاشته است. شماری از نهادهای مدنی بارها اعلام کرده‌اند که سرپرستان احساس مسئولیت نمی‌کنند و این مسئله باعث افزایش نامنی شده است.

### برنامه‌ی ایجاد ۵۸۰۰ کیلومتر خط آهن تا سال ۲۰۲۴

قرار بود که ایران پروژه‌ی ساخت ۶۰ کیلومتر خط آهن از مرز این کشور تا ولسوالی غوریان هرات را تکمیل کند؛ اما به دلیل نامعلوم کار آن به تأخیر افتاده است. اما هیأت ایرانی در نشست دوشنبه وعده داده که این پروژه را به‌زودی تکمیل می‌کنند. نمایندگان کشورهای افغانستان، چین، قرغیزستان، تاجیکستان و ایران چندی پیش در شهر دوشنبه تاجیکستان روی ایجاد یک خط آهن به طول ۲۱۰۰ کیلوتر توافق کردند. حدود ۱۵۰ کیلومتر این راه آهن از افغانستان می‌گذرد.

انکشافی چین برای عملی شدن این پروژه اعلام آمادگی کرده‌اند. بر اساس معلومات اداره‌ی خط آهن، این راه آهن از اکثر ولایت‌ها عبور و سپس

با کشورهای منطقه وصل می‌شود. با عملی شدن آن، بخش‌های معادن، زراعت و آبیاری، تجارت و ترانزیت و پروژه‌های بزرگ زیربنایی توسعه می‌یابند. افغانستان در بین کشورهای جهان دارای کمترین خط آهن است. در حال حاضر بیش از ۵۰ کیلومتر خط آهن ازبکستان، از طریق بندر تجارتی حیرتان تا میدان هوایی مزار شریف موجود است.

### طالبان از استخراج معادن طلا و لاجورد سود می‌برند

افزوده که برای استخراج قانونی آن چندین مرتبه مکتوب و نیروهای امنیتی را ارسال کرده است؛ اما با راهاندازی تظاهرات و شورش مردم، حکومت به‌خاطر جلوگیری از متضرر شدن آنان، یک اندازه احتیاط کرد. او افزود که برای جلوگیری از استخراج غیرقانونی معادن در این ولایت، به‌زودی اقدام‌های لازم روی دست گرفته می‌شوند. بیدار افزود که معدن لاجورد در آینده‌ی نزدیک به قرارداد داده می‌شود و جلو استخراج غیرقانونی معدن طلای راغستان نیز گرفته خواهد شد. در همین حال،

### ۳۰ درصد پروژه‌های انکشافی در بامیان بدون ارزیابی اجرا می‌شوند

اجازهی عملی شدن داده نمی‌شود.

به نقل از پژواک، نوید خطاب به ولسوالان نیز افزود که بعد از این، تا مؤسسات و شرکت‌های ساختمانی از ولایت و ریاست اقتصاد مکتوب نداشته باشند، اجازه‌ی کار را به آنان ندهند. در همین حال، خدایار قدسی، فرمانده پولیس بامیان گفته است که برای جلوگیری از این کار باید هم‌آهنگی بین سکتورهای انکشافی در این ولایت به‌وجود آید.

### وزارت دفاع: ۱۴۱ شورشی طالب کشته شدند

۶۲ تن از مخالفان مسلح، به‌شمول احمدخان، در ولسوالی دانگام ولایت کتر کشته شده‌اند. درگیری بین نیروهای امنیتی و طالبان از یک هفته بدین‌سو در ولسوالی دانگام ولایت کتر ادامه دارد. هرچند نهادهای امنیتی از عقب‌راندن طالبان از مناطق این ولسوالی خبر داده‌اند، اما شجاع‌الملک جلاله، سرپرست ولایت کتر روز جمعه در نشستی در این ولایت گفت که نیروهای امنیتی کشور در چند

ساعت گذشته به منظور تأمین امنیت در مربوطات ولایت‌های کتر، ننگرهار، بلخ، غزنی، هلمند، ارزگان و شیندند هرات راهاندازی شده بود. در این خبرنامه آمده است که در این عملیات احمدخان، ولسوال نام‌نهاد مخالفان مسلح دولت در ولسوالی دانگام کشته شده‌اند. ارتش ملی یک سرگروه مخالفان مسلح و ۲ تن مشکوک را نیز بازاشت کرده است. در خبرنامه‌ی دیگر وزارت دفاع ملی آمده است که

روز گذشته شورشیان طالبان را از مناطق اطراف ولسوالی دانگام عقب رانده نتوانسته‌اند. هشت روز پیش صدها جنگ‌جوی طالب به چند منطقه‌ی اطراف ولسوالی دانگام ولایت کتر حمله کردند و سپس با مقاومت باشندگان محل مواجه شدند. حال مقام‌های محلی کتر گفته‌اند که پس از عقب‌نشینی بسیاری از باشندگان مناطق این ولسوالی، زنان و کودکان در آن مناطق گیر مانده‌اند.



یک شنبه  
۳۰ قوس  
۱۳۹۳  
سال سوم  
شماره ۳۳۷



## خبرنگار و اطلاعاتی

هادی دریایی

# از من به مشاور دانی مقامات!

آمر کوردینات دانش و فهم مقامات بلندپایه‌ی دولت وحدت ملی می‌فرماید که عنقریب به حول و قوه‌ی سردی، هوای کابل خطرناک و سرطان‌زا شده و جای بسی افتخار است که مقامات این دولت بدون هیچ‌گونه اختلافی روی این مسئله توافق دارند. لذا نیازی به مذاکره نیست و جان کری هم این روزها مصروف یادگیری زبان نورستانی است. آن‌ها (این‌ها که عبارت از مقامات ما می‌بودگی است) که جامع‌الکلامات هستند، در نکوهش این وضعیت گفته، «از یک‌سو کتر زیر آتش است، که پاکستان فکر می‌کند طالبان پاکستانی آن‌جا خوابیده، از سوی دیگر حتا هر احمقی می‌فهمد که لانه‌ی تروریستان در خاک پاکستان است؛ اما این هوای لعنتی کابل لعنتی پر از دود لعنتی می‌باشد». بناءً مشوره‌ی مفت مقامات برای ما خلق‌الله که مجبوریم کوچه‌ها و سرک‌های فرورفته در کام دود و خاک را پیاده طی کنیم، یا در این هوای کثیف کار کنیم، این است که احتیاط کنیم. احتیاط به این معنا که مثلاً سخنگوی مشاوردانی در صفحه‌ی فیس‌بوکش نوشته که بعد از استعفا کردن یک مشاور از مشوره‌دانی آن حضرت، حضرت را بر آن داشته که در انتخاب به‌جا و شایسته‌ی مشاورینش، عجله نکند و دقیقاً به همین خاطر است که مشاور امور دود و خاک هنوز انتخاب نشده است. البته گزینه‌ی بدیل این مقام به دست حضرات کار گرفته شده است و جای نگرانی نیست. این گزینه‌ی بدیل، همان بندکردن یکی دو کوچی ناقابل، خاردارکشی دیوارها و دروازه‌ها و قدغن کردن رفت و آمد در حوالی پایگاه‌های مقدس می‌باشد. باری کسی از یکی از این برادران مذکر پرسیده بود که چرا این قدر به خود اهمیت می‌دهید؟ در جواب گفته که شما لطفاً به استدیوم غازی بروید! در آن‌جا روی دیوارش شما پوسترهایی را مشاهده خواهید کرد. دولت این پوسترها را در آن‌جا انستال کرده تا هم بتواند فرهنگ بالای ما را تبلور بدهد و هم نشان بدهد که گذشته‌ی ما درسته که تاریک است، اما تاریکی دلیل نمی‌شود که ما تبلور فرهنگ نکنیم. یعنی انستال کردن تابلو یا پوستر مقامات گذشته روی دیوار استدیوم ورزشی ما، از یک طرف نشان از فرهنگ ورزشی ماست که چقدر با افتخارات میان‌تهی قاطی‌پاتی یا به اصطلاح لاتینی گدود شده، از طرف دیگر، اشرف غنی ثابت کرد که این کشور، ۵۰۰۰ سال دیگر عمر می‌کند و ما (مقامات) نمی‌خواهیم این ۵۰۰۰ سال آینده‌ی ما، که امکان دارد تا آخر آن یک استدیوم ورزشی دیگر هم در کابل آباد شود، بدون پوستر نباشد. در یک کلام اگر بخوایم خلاصه کنیم، می‌گوییم که یگان چیز بیایرید که من خودم را بکشم!!!

اما خلقی‌ها و پرچمی‌ها ناوقت از خواب می‌خیزند (بی‌شرف‌های بی‌شرف) و متوجه می‌شوند که دود دیگران در طول شب، حتا بینی آن‌ها را هم پر کرده و مجبوراً نیم ساعت به نظافت بینی وادارشان می‌کند. از همین‌رو بعضی روزها متوجه می‌شویم که ساعت از ۱۲ ظهر ۴۵ دقیقه تیر شده، اما رییس صاحب هنوز در دفتر کارش نیست. می‌توان دود وارد شده در بینی‌های خلق را هنگامی که تازه از خواب بیدار می‌شوند، به روزگار مردمی تشبیه کرد که این روزها زیر گلوله‌های طالبان، روزگارشان شبیه زندگی در پایتخت جهنم شده، هردو سیاه اند. هردو باید پاک شوند تا آدم مثل آدم معلوم شود، ورنه بینی آدم سیاه باشد، هرچه کروات سفید بسته کنیم، بی‌فایده است. اگر شنیده باشید (از آن خاطر گفتم اگر شنیده باشید که یک تعداد ما این روزها از همه‌چیز بی‌خبریم، حتا از روگردانی‌های گله‌ای یاران دوران کمپاین انتخابات یک رییس نسبتاً جمهوری) دانگام یک ولسوالی است در کنرشان! آن‌جا جنگ است و مردم از بس که به ستوه آمده، هیچ چیز از دولت نمی‌خواهند. فقط می‌گویند که ممکن است با طالبان وارد گفت‌وگو شوند. کارشناسان این مسئله را طبیعی می‌دانند و می‌گویند، هرگاه در پاکستان زلزله شود، ما به دلیل داشتن کوه‌های فتح نشده، یکی از قربانیان احتمالی پس‌لرزه‌های آن می‌باشیم. مخصوصاً که دهن جناب زلزله با مفت قربانی گرفتن از ما شیرین شده. چند روز پیش، طالبان پاکستان دولت پاکستان را به خاک سیاه نشاند و مقامات این دولت فوراً به کابل آمدند. خوش‌بختانه اصلاً معلوم نیست که برای چه آمده بودند؛ اما آن‌چه بیرون داده شد، طلب همکاری آن مقامات از این مقامات می‌باشد. گفته می‌شود که دولت پاکستان که سر طالبان نمی‌زد رای! دیدی چطور طالبانش رای دولتشان را زد؟!!

حالا از شوخی بگذریم، می‌خواهم به مشاوردانی مقامات عالی‌رتبه پیش‌نهاد کنم که خانه‌های ما را هم با سیم خاردار پیچ کنید، کوچه‌های مارا هم بند کنید، به خدا در انتخابات آینده به شما رای می‌دهیم. نگذارید سرطان در جامعه نفوذ بکند! بی‌باکی مردم و بی‌خاری شما، دست سرطان فرصت می‌دهد و سرطان را که می‌فهمید چه قدر بی‌شرم است، بی‌شرم‌تر از آن وکیل است که در یک ماه، سه روز را نیمه در پارلمان آمده و آخر ماه معاشش را کامل می‌خواهد و همیشه یک بوتل آب معدنی در دستش است که اگر آب معدنی نباشد، حتماً یک تسبیح را با خود می‌گرداند. این اواخر مد شده که وکلا عینک بپوشند! امیدوارم که در میان یک لشکر مشاور، یکی نگران بروز سرطان هم باشد!

# تشکیل کابینه

## تأثیر ناگوار طولانی شدن بشیر یآوری



از دل یک کشمکش طولانی انتخاباتی به‌وجود آمد و هردو طرف اختلافات‌شان را حل کردند، از رفتن کشور به بحران جلوگیری شد و مردم با تمامی مشکلاتی که این حکومت با آن روبرو بود، امیدوار شدند.

رییس جمهور محمد اشرف غنی در اولین روزهای کاری خویش با حرکت‌های نمادین مبتنی بر آوردن اصلاحات و ایجاد نظام عاری از فساد، خواست که خود را رهبر سیاسی متفاوت‌تر از حامد کرزی نشان دهد. اما در جریان ۸۰ روزی که از تشکیل حکومتش گذشته است، وضعیت امنیتی کشور هر روز بحرانی‌تر شده است. طالبان و گروه‌های تروریستی حملات انتحاری را در محور فعالیت‌های خویش در برابر دولت قرار داده و با استفاده از این شیوه، ده‌ها حمله‌ی مرگبار تروریستی را انجام داده‌اند و به این وسیله وضعیت امنیتی کشور بدتر شده است.

# امریکا و ناتو در افغانستان

نویسنده: ماها الشربینی

برگردان: نسیم ابراهیمی

منبع: هفته‌نامه‌ی فرانسوی‌زبان الاهرام



مأموریت جنگی نیروهای ناتو در افغانستان به پایان رسیده است. بیش‌تر از چند روز دیگر به زمان خروج این نیروها از افغانستان باقی نمانده است. با این حال، ایالات متحده‌ی امریکا بر ادامه‌ی همکاری‌های خویش در افغانستان، به‌خصوص در قسمت بازسازی این کشور پس از خروج نیروهای ناتو، تأکید دارد.

پس از سیزده سال مأموریت دشوار، سرانجام به تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ نیروهای ناتو کوله‌بار سفرشان را از افغانستان می‌بندند و نیروهای امنیتی این کشور را در مقابل موج حمله‌ها و تهدیدهای گروه طالبان، تنها می‌گذارند. خروج نیروهای ناتو از افغانستان تا چند روز دیگر، پذیرفتن یک خطر بزرگ برای آینده‌ی این کشور می‌باشد. جامعه‌ی جهانی حمایت خویش را از «افغانستان نوزاد» که با آغاز سال ۲۰۱۵، اولین گام‌های خویش را در دنیای مسقل برمی‌دارد، اعلان کرده‌اند. چاک هیگل، وزیر دفاع استعفاکرده‌ی ایالات متحده‌ی امریکا برای آخرین بار، پیش از آن‌که نیروهای ناتو از افغانستان خارج شوند و خود وی پنتاگون را ترک نماید، برای اعلام همکاری‌های کشورش با افغانستان، از کابل دیدار نمود. آقای هیگل طی این دیدار خود از کابل، سه هدف را دنبال می‌کرد: نخست، نقطه‌ی پایان گذاشتن به طولانی‌ترین مأموریت جنگی در تاریخ ایالات متحده‌ی امریکا. دوم، اعلام تداوم حمایت نظامی ایالات متحده‌ی امریکا از افغانستان پس از سال ۲۰۱۴. سوم، اعلان حضور ۱۰۰۰ سرباز اضافی در واشنگتن گفت‌وگو خواهند کرد.

بدون تردید یکی از علل افزایش ناامنی به نحوی ریشه در مشخص نشدن وزیران و والی‌های کشور دارد. این مسئله از این جهت تأثیرگذار است که سرپرستان، به‌خاطر که مسئولیت‌های‌شان کوتاه‌مدت می‌باشد، در پی قاطعیت کاری و ابتکار در چگونگی اجرای مسئولیت‌های‌شان نمی‌باشند و برنامه‌های جدید را برای پیش‌برد فعالیت‌های‌شان طرح نمی‌کنند. به این خاطر، طولانی شدن روند تشکیل کابینه، بر چگونگی فعالیت‌های اداری و نظامی کشور تأثیر نامطلوب برجای گذاشته است.

برعلاوه، این مشکل بر فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها و روحیه‌ی مردم هم بی‌تأثیر نبوده است. به این خاطر، مردم و مجلس نمایندگان حق دارند که از پایان این انتظار طولانی سخن بگویند و به مدعیان رهبری سیاسی کشور بگویند که بیش‌تر از این روند گزینش و انتخاب اعضای کابینه را طولانی نسازند. رهبری دولت، تشکیل کابینه‌ی متخصص و پاسخ‌گو را دلیل زمان‌گیر شدن روند تشکیل کابینه عنوان می‌کند و استدلال می‌نماید که برای این عمل به وقت کافی نیاز دارند و هرگونه عجله و عدم دقت در تشکیل کابینه باعث می‌شود که این هدف تحقق نیابد و حکومت جدید از ویژگی‌های متمایز از حکومت‌های گذشته برخوردار نشود. درست است که کابینه باید بر معیار تخصص و شایستگی تشکیل شود و بر اساس علایق شخصی و وابستگی‌های قبیله‌ای تشکیل نشود؛ اما این‌که بعد از ۸۰ روز رهبری دولت نتوانسته که اعضای کابینه را معرفی کند، این همه تأخیر بیانگر یک نارسایی در کارکرد حکومت می‌باشد.

بنابراین، لازم است که رهبری دولت به تبعات ناشی از تأخیر در معرفی کابینه توجه کند و هرچه زودتر حداقل بخشی از وزیرانی که بر معرفی آن‌ها توافق شده را به پارلمان معرفی کند، تا از طرفی برنامه‌های ارگان‌های دولتی سروسامان یابد و از جانب دیگر، اعتماد مردم نسبت به آینده و کارکرد حکومت شکسته نشود.

### حمایت مالی

اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان علاوه بر نگرانی حمایت نظامی، از حمایت مالی جامعه‌ی جهانی از افغانستان با آغاز سال ۲۰۱۵ نیز ترس داشت. به همین دلیل، وی در نشست لندن که در مورد افغانستان برگزار شده بود، تلاش کرد که با ارائه‌ی برنامه‌های اصلاحی دولت خویش، ۵۹ کشور شرکت‌کننده در این نشست را برای تداوم همکاری‌های‌شان با افغانستان، قانع سازد. مأموریت مهمی که وی موفق شد بر اساس تعهدی که طی کنفرانس توکیو در سال ۲۰۱۲، تا سال ۲۰۱۵، ۱۶ میلیارد دالر برای افغانستان کمک صورت می‌گرفت، کشورهای تمویل‌کننده را قانع کند که تا سال ۲۰۱۷ با همان شیوه به کمک‌های‌شان با افغانستان ادامه دهند. در همین مورد، جان کری، وزیر خارجه‌ی دولت ایالات متحده‌ی امریکا و دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیای کبیر گفتند: «ما در به تعهدی که در قبال فقیرترین مردم دنیا بسته‌ایم، پایند و متعهدیم».

با استقبال از اولین انتقال قدرت دموکراتیک در تاریخ افغانستان که در پی یک انتخابات در ماه سپتامبر صورت گرفت، کشورهای تمویل‌کننده با حمایت از برنامه‌های پیش‌نهادی اشرف غنی برای مبارزه با فساد، بهبودی امنیت، پایداری سیاسی و اقتصادی در کشور و احترام به حقوق بشر، از تداوم همکاری‌های‌شان اطمینان دادند. با وجود این نشانه‌های مثبت، پیش‌شرط جامعه‌ی جهانی برای اجرای خط مشی‌شان در افغانستان، باقی‌مانده است: تشکیل کابینه‌ی دولت وحدت ملی، آن‌چه که مسئله‌ی دشوار به نظر می‌رسد. اشرف غنی قبلاً در این مورد اعلان نموده بود، در مدت دو تا چهار هفته، کابینه‌ی دولت خویش را تشکیل می‌دهد. چالش‌های دیگری که جامعه‌ی جهانی را نگران ساخته است، افزایش ناامنی، تهدیدهای روزافزون گروه طالبان و تولید مواد مخدر در افغانستان می‌باشد. دیوید کامرون با اشاره بر این مسئله گفت: «عبور از این مسیر، به‌سادگی میسر نیست. افزایش حملات مرگبار در افغانستان، پرسش توانایی‌های نیروهای امنیتی افغانستان در مقابله با طالبان را به میان می‌آورد». آقای غنی برای آن‌که اعتماد کشورهای تمویل‌کننده را به‌دست آورد، گفت که صلح «در صدر اولویت‌های کاری»‌اش قرار دارد. وی در این مورد افزود که افغانستان پس از این برای تأمین امنیت خویش نیازمند جنگ‌جویان خارجی در خاکش نخواهد بود. با این وجود، باید منتظر روزهای آینده بود که افغانستان به نیروهای نظامی [خارجی] نیاز دارد یا نه.



مهدی زرتشت

# مسکو افغانستان در نگاه

## نسخه جدید مذاکرات برای افغانستان

آلکسی فیونکو - استاد یار گروه سیاست جهانی  
دانشگاه ام.گ.او - مسکو  
منبع: [HTTP://WWW.INOZPRESS.KG](http://www.inozpress.kg)

بخش آخر



گزینه‌ی نخست، بازسازی و از سر گرفتن «دوشنبه چهارگانه» است که در سال ۲۰۱۱ طرح ریخته شد. مشخصات تکنیکی این طرح آن گونه که تصور می‌شد، پیچیده نبود و لازم نبود که در اسرع وقت در مورد انحلال آن به صورت رسمی تصمیم گرفته شود. در همین راستا، سه کشور علاقه‌مند به این موضوع (روسیه، تاجکستان و پاکستان) تمایل شان را به ادامه‌ی این گفت‌وگو با دولت افغانستان حفظ کردند. هند و ازبکستان می‌خواهند در این گفت‌وگو به صورت خیرخواهانه (برخلاف آنچه در ۲۰۱۲ پیش آمد) موقعیت خود را تعریف کنند. در ادامه‌ی روند، ترکمنستان با وجودی که در اوایل نقش خنثا را داشت، اما از راه نزدیک به موضوع افغانستان پیوست.

در عین حال، با در نظر داشت درخواست تجدید نظر برای روسیه، چنین گزینه‌ای هنوز هم غیرواقعی به نظر می‌رسد. در حال حاضر، دلیل اصلی درگیری میان هند و پاکستان است. بازسازی «دوشنبه چهارگانه» به معنای پذیرش «دلی نو مبنی بر مشارکت پاکستان همزمان با دو فرمت مذاکرات: آمریکا (آف-پاک) و روسیه-تاجکستان است. هند در جریان سه سال اخیر، موقف سخت‌گیرانه‌ای را علیه اسلام‌آباد از طریق افغانستان روی دست گرفته است. کرملین به نوبه‌ی خود تلاش کرده است تا از بدتر شدن روابط با هند که می‌تواند بر بازسازی «دوشنبه چهارگانه» تأثیر بگذارد، پرهیز کند.

گزینه‌ی دوم، حدس و گمان بر سر ایجاد یک فرمت مذاکرات گسترده‌تر از «دوشنبه چهارگانه» است. تیوری این مذاکرات می‌تواند در قالب «شش‌گانه» (چهار کشور روسیه، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان به علاوه هند و ازبکستان) و هفت‌گانه (چهارگانه، هند، ازبکستان و ترکمنستان) باشد یا هم هشت‌گانه (کشورهای مذکور جمع جمهوری خلق چین) باشد. گزینه‌ی آخری، می‌تواند در قالب میکانیزم سازمان همکاری‌های شانگهای مطرح گردد. جمهوری ازبکستان می‌تواند به عنوان یک عامل رابط میان سازمان همکاری‌های شانگهای و «گروه مذاکرات» در ارتباط به افغانستان نقش ایفا نماید.

محدودیت این گزینه ماهیت ضدامریکایی دور مذاکرات را آشکار می‌کند. اجرای چنین برنامه‌ای، منجر به سقوط کامل پروژه‌ی «آف-پاک» می‌شود و به جابه‌جایی آمریکا در ایجاد امنیت در سراسر افغانستان منجر می‌شود. نه هند و نه پاکستان و نه هم خود دولت اشرف غنی و عبدالله عبدالله برای اجرای این برنامه آماده نیستند. از سوی تاشکند نیز مورد استقبال قرار نخواهد گرفت - جایی که در آن حضور ناتو در افغانستان به عنوان یک وزنه در مقابل نفوذ روسیه و چین در منطقه دیده می‌شود. به بیان دیگر، هند، پاکستان و تاشکند به‌طور مشترک به ظهور یک ساختار شورایی در افغانستان که به مخالفت آشکارا با سیاست ناتو مواجه شود، مترصد اند.

گزینه‌ی سوم، این گزینه به نام گزینه‌ی «گفت‌وگوی موقعیتی» نامیده می‌شود. در دیپلماسی، یک مدت طولانی سخن از «اتلاف موقعیتی» (ad hoc coalition) در جریان بود. در همین ارتباط، یک مثال را می‌توان آورد و آن عبارت از طرح چنین ائتلاف در واقع به عنوان «اتلاف ضدتروریسم جهانی» بود که در طول جنگ در افغانستان و در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ مطرح شد. در حال حاضر، یک چنین میکانیزم مشابه به هدف همکاری در امور افغانستان روی دست گرفته شود. از جانب روسیه می‌تواند سه فرمت از گفت‌وگو - به لحاظ نظری - مد نظر گرفته شوند: در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای، «دوشنبه چهارگانه» قدیمی و «دوشنبه+» با مشارکت هند و ازبکستان. هریک از این فرمت‌های مذاکره برای تماس‌های احتمالی با آمریکا و ناتو، باقی خواهند ماند؛ اما در مواجهه با مسایل کلیدی، پروژه‌ی «آف-پاک» مسدود خواهد شد.

همه مشکلات خودش را دارند و با این حال، تفاوت‌ها را نمی‌شود نادیده گرفت. فرمت‌های مذاکرات تا به حال تحت سناریوی توسعه‌ی صلح‌آمیز وضعیت در افغانستان ایجاد شده است. در صورت بروز بحران جنگ در منطقه، نیروها برای مداخلات عملیاتی باقی نمی‌مانند. علاوه بر این، مشکل دقیقاً این‌جاست و نه تعریف برنامه‌های مذاکره‌ای که امکان دارد که در آینده‌های نزدیک به یک موضوع کلیدی تبدیل شود.

# هویت جهانی برای انسان؛ ماری ژوزف لافایت که بود؟

کتاب عارف یعقوبی



لافایت، عضو جنبش آزادی برده‌ها در پاریس شد و طی مکاتبه‌ی رسمی از جورج واشنگتن خواست که به بردگی پایان دهد. لافایت در سال ۱۷۸۷ به پاریس بازمی‌گردد و نماینده‌ی «مجمع مؤسسان» فرانسه انتخاب می‌شود. این مجلس متشکل از روحانیون، مردم عادی و اشراف بود. شاه فرانسه، لویی شانزدهم، لافایت را عضو مجمع انتخاب کرد تا از بحران مالی و مشکلات پیش‌روی دولت جلوگیری کند. لافایت در مجمع، از روحانیون و سیستم قضایی به شدت انتقاد کرد. خواستار اصلاحات بنیادین در بهره‌برداری از دارایی‌های ملی شد. او همچنان گفت، مجمع کنونی، ملی نیست و با تشویق او، مجمع ملی فرانسه تأسیس شد. همزمان لافایت اقدام به پیش‌نویس اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند کرد.

لافایت نقش کلیدی در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ داشت. او برای اولین بار اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند را با کمک توماس جفرسون، یکی از بنیان‌گذاران آمریکا تنظیم کرد و این اعلامیه توسط مجمع ملی مؤسسان فرانسه در اگست ۱۷۸۹ به تصویب رسید.

شناخته شوند و حقوق برابر داشته باشند. لافایت باور داشت که پیروی از قانون و احترام به حقوق انسانی هم‌دیگر، ما را به یک هویت انسانی جهان‌شمول نزدیک می‌کند و همه به عنوان شهروندان جهان به شمار می‌رویم.

لافایت در سال‌های آخر جنگ آمریکا-انگلیس، به عنوان مشاور کنگره‌ی آمریکا نیز منصوب شد و به فرستاده‌های آمریکا در لاهه، مادرید و پاریس مشورت می‌داد. او به قدرت دستگاه دیپلماسی باور عمیق داشت و مقام‌های آمریکایی را تشویق می‌کرد تا برای جلب حمایت جهانی از جنگ استقلال آمریکا، دستگاه دیپلماسی فعال داشته باشند. ارسال نامه‌های رسمی مقام‌های آمریکایی به لویی شانزدهم به منظور حمایت فرانسه از استقلال آمریکا هم، بخشی از فعالیت‌های دیپلماتیک بود که لافایت پیش‌نهاد کرده بود. لافایت در سال ۱۷۸۰ به عنوان اولین عضو غیرامریکایی «مجمع فیلسوفان آمریکا» انتخاب شد. این مجمع، در سال ۱۷۴۳ توسط بنجامین فرانکلین تأسیس شد و مقر آن در شهر فیلادلفیای ایالت پنسیلوانیا است.

لافایت، عضو جنبش آزادی برده‌ها در پاریس شد و طی مکاتبه‌ی رسمی از جورج واشنگتن خواست که به بردگی پایان دهد. لافایت در سال ۱۷۸۷ به پاریس بازمی‌گردد و نماینده‌ی «مجمع مؤسسان» فرانسه انتخاب می‌شود. این مجلس متشکل از روحانیون، مردم عادی و اشراف بود. شاه فرانسه، لویی شانزدهم، لافایت را عضو مجمع انتخاب کرد تا از بحران مالی و مشکلات پیش‌روی دولت جلوگیری کند. لافایت در مجمع، از روحانیون و سیستم قضایی به شدت انتقاد کرد. خواستار اصلاحات بنیادین در بهره‌برداری از دارایی‌های ملی شد. او همچنان گفت، مجمع کنونی، ملی نیست و با تشویق او، مجمع ملی فرانسه تأسیس شد. همزمان لافایت اقدام به پیش‌نویس اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند کرد.

لافایت نقش کلیدی در انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ داشت. او برای اولین بار اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند را با کمک توماس جفرسون، یکی از بنیان‌گذاران آمریکا تنظیم کرد و این اعلامیه توسط مجمع ملی مؤسسان فرانسه در اگست ۱۷۸۹ به تصویب رسید. این سند، یک سند مهم انقلاب فرانسه و تاریخ حقوق بشر است. محتوای این سند تا حد زیادی از آرمان‌های قانون اساسی آمریکا الهام گرفته است.

برخی تاریخ‌نویسان، از ماری ژوزف لافایت که یک افسر نظامی بسیار هوشمند بود، به عنوان بنیان‌گذار

آزادی، دموکراسی و ارزش‌های حقوق بشری در ایالات متحده‌ی آمریکا، بیش از هر کشور دیگر ریشه‌دار است. پدران بنیان‌گذار آمریکا، سیستمی را ایجاد کردند که حالا شهروندانش با افتخار می‌گویند: ما پرچمدار آزادی در جهان هستیم. آمریکا نسبت به مهاجران و اقلیت‌های قومی-مذهبی، اهل مدارا است. مهاجران از کشورهای اروپایی، آفریقا، هند و دیگر نقاط جهان، در آزادی آمریکا و استقلال این کشور از انگلستان در سال ۱۷۷۶ میلادی، نقش داشتند. بی‌دلیل نیست که برخی‌ها می‌گویند، آمریکا «کشور مهاجران» است.

یکی از کسانی که اساس برابری، مدارا و حقوق بشر را در آمریکا بنا نهاد، ماری ژوزف لافایت، جنرال، متفکر و نظریه‌پرداز فرانسوی بود. لافایت اولین چهره‌ی مهم غیرامریکایی بود که برای آزادی در جنگ استقلال آمریکا شرکت کرد و در صدد یک «هویت جهانی» برای انسان‌ها بود. لافایت (۱۷۵۷) در جنوب فرانسه در یک خانواده‌ی فرهنگی، اهل سیاست و امور نظامی متولد شد. در سال ۱۷۷۷ برای اولین بار به آمریکا رفت و برای آزادی و باورهایش در جنگ استقلال آمریکا جنگید تا به درجه‌ی جنرالی رسید.

لافایت در بخش دیپلماسی سهم بزرگی داشت و مفهوم ملی‌گرایی و حقوق شهروندی را در تاریخ بشر تغییر داد. مبارزه برای آزادی همیشه برای لافایت لذت‌آور بود. جورج واشنگتن، بنیان‌گذار ایالات متحده‌ی آمریکا گفت، لافایت اولین غیرامریکایی است که برای آزادی یک کشور دیگر مبارزه می‌کند و بدون هیچ مطالبه‌ای، جانش را به خطر می‌اندازد. لافایت در صدد ایجاد یک «هویت جهانی» برای انسان بود. او «ملی‌گرایی لیبرالیستی» را بنیان نهاد، چیزی که بعد از آن مورد حمایت قاطع روشنفکران و تحصیل‌کرده‌های زیاد در سراسر جهان قرار گرفت. لافایت خود به عنوان یک غیرامریکایی در تلاش بود تا قوانین آمریکا به گونه‌ای تصویب شوند که در آن حاکمیت قانون، آزادی فردی، تحمل و بردباری، حقوق بشر و برابری انسان‌ها مهم و حیاتی باشند. در تفکر او، بیگانه‌هراسی منتفی است و بر روحیه‌ی همکاری میان انسان‌ها تأکید شده است. فکر باز و اندیشه‌ی بلند لافایت باعث شد که جورج واشنگتن او را پسر خود بخواند و از مشوره‌هایش در ایجاد یک حکومت مردم‌سالار، بهره‌مند شود. لافایت تأکید داشت که حکومت باید مشروعیتش را از مردم بگیرد و همه‌ی آدم‌ها به‌دور از هرگونه وابستگی قومی، مذهبی، زبان و جغرافیا به عنوان شهروند

اعلامیه‌ی حقوق بشر، قهرمان انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و یکی بنیان‌گذاران ارتش قدرت‌مند آمریکا یاد می‌کنند. لافایت در نوزده سالگی به‌صورت داوطلبانه به انقلاب آمریکا پیوست. او حتا در اوایل انگلیسی نمی‌دانست؛ اما به‌زودی مورد اعتماد جورج واشنگتن قرار گرفت و بعد، لافایت و واشنگتن هم‌دیگر را پدر و پسر خواندند. واشنگتن، لافایت را شخص بسیار هوشمند و ماهر دید و برای حمایت و حفاظت بیشتر از او، لافایت را پسر خواند.

لافایت معتقد بود که انقلاب آمریکا به‌شدت ارزش‌مند است. او یک جهان پرشکوه و با عظمت را در حمایت از این انقلاب می‌دانست. لافایت در جلب حمایت مقام‌های فرانسه از استقلال آمریکا نقش کلیدی داشت. او چند بار به خانواده و مقام‌های فرانسه نامه نوشت و گفت، آمریکا برای آینده‌ی جهان و منافع فرانسه اهمیت دارد، از آن باید حمایت کرد و این فرصت طلایی را نباید از دست داد. او در نهایت در نیمه‌های جنگ استقلال آمریکا به فرانسه بازگشت تا فرانسوی‌ها را متقاعد کند که از آمریکا حمایت کنند.

لافایت، علاوه بر روابط عمومی قوی، مهارت‌های نظامی داشت، با دقت به سخنان مردم گوش می‌داد و به حرف‌های آن‌ها اهمیت می‌داد. لافایت ارتش و شرکت در جنگ استقلال آمریکا را گزینه‌ی مناسب برای تحقق آرمان‌هایش می‌دید. از این جهت، از او به عنوان نظریه‌پرداز ارشد در تأسیس ارتش قدرت‌مند آمریکا یاد می‌کنند.

لافایت بسیار معتقد به آرمان‌هایش بود و در ایجاد یک جهان مدرن و گسترش اندیشه‌ی فراجغرافیایی در تاریخ بشر، نقش کلیدی داشت. او، سمبول رابطه‌ی دوستانه میان ملت‌های مختلف جهان بود. لافایت با همکاری جفرسون، اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند را نوشت. اعلامیه‌ی حقوق انسان و شهروند، یکی از اسناد بنیادین انقلاب فرانسه است که حقوق فردی و اجتماعی همه را «جهان‌شمول» به شمار می‌آورد. در این اعلامیه که تأثیر پذیرفته از «حق طبیعی» انسان‌ها است، حقوق آدمی جهان‌شمول توصیف شده‌اند و در هر زمان و مکان محترم.

این اعلامیه توسط «مجمع ملی مؤسسان» فرانسه در زمان انقلاب به عنوان پیش‌زمینه‌ی برای نوشتن قانون اساسی به امضا رسید. این اعلامیه که توسط لافایت پیش‌نهاد شد، تأثیرات عمیقی روی به‌وجود آمدن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورهای مدرن گذاشت.

# چهارکد

یادداشت‌های سخیدادهااتف

## آدم با غلظت بالا

خداوند مهربان بندهای خود را به شیوه‌های مختلف مجازات می‌کند. بعضی را مجبور می‌کند که شب‌ها تا صبح از این پهلو به آن پهلو غلت بزنند و از دست این فکر دیوانه شوند که چرا آن غلام محی‌الدینی که در ماه رمضان روزه‌ی خود را می‌خورد، در جامعه‌ی اسلامی راست راست راه می‌رود و هیچ‌کس نیست که گردنش را با تبر بشکند. بعضی دیگر را این طور جزا می‌دهد: این اندیشه را به کله‌ی شان می‌اندازد که اگر روزی یک نفر به‌خاطر گناهایی که در این دنیا کرده، از آن دنیا برگردد و رمه‌های گوسفند مردم را نابود کند، مردم بی‌چاره که منبع درآمد دیگری هم ندارند، چه کار کنند؟ بعضی‌ها را هم با طرح ساده‌ای جزا می‌دهد. سوزاک‌شان می‌کند تا حس تشناب‌گرایی‌شان یک لحظه هم فروکش نکند. خلاصه دل هرکس را به طریقی می‌شکند قادر متعال. البته حق دارد. می‌خواهی مجازات نشوی، آدم شو. آدم شدن هم که کاری ندارد. به بزرگ‌ترها سلام بده. حق مردم را نخور. دروغ یا اصلا نگو، یا کم بگو یا اگر زیاد هم می‌گویی، آن را به نفع امت ستم‌دیده بگو که حداقل خیرش به خلق برسد. یکی دو قلم دیگر را هم که رعایت کنی، آدم می‌شوی و از شر امتحان الهی هم در این دنیا راحت می‌شوی و هم در آن دنیا.

در این میان، عده‌ای هستند که به‌خاطر بعضی چیزهای ساده دچار تشویش می‌شوند و گمان می‌برند که دریای رحمت خداوند چنان کم‌عمق است که با یک خطای کوچک زبرش بالا می‌آید. مثلا همین حمله‌ی طالبان بر مکتبی در پیشاور پاکستان را در نظر بگیرید. عده‌ای در ابتدا اظهار خوش‌حالی کردند و گفتند که خوب شد پاکستان هم بالاخره فهمید که یک کیلو چند پاو است. ولی همین عده فوراً دچار تشویش شدند و از احساس وطن‌دوستانه‌ی خود برگشتند و علنا گفتند که کشتن کودکان بی‌گناه در همه حال غلط است. به نظر من، آدم اگر هم آدم باشد و هم افغان، لازم است که مقتضیات این دو جنبه از وجود خود را با شجاعت و توکل بر پروردگار با هم دیگر هم‌آهنگ کند. یعنی مثلاً وقتی که می‌شنود ۱۵۰ کودک پاکستانی به خاک و خون پییده‌اند، هم‌زمان هم قاه قاه بخندد و هم به‌شدت بگرید. می‌دانم این کار سخت است. اما چاره چیست؟ خداوند هرکس را به نحوی مجازات می‌کند. ما را هم این طور. البته قبول دارم که این بدترین مجازاتی است که یک خدا می‌تواند برای بندگان خود تعیین کند.



## افغانستان؛ جغرافیای مواد مخدر

منبع: مجله‌ی ROLLINGSTONE نویسنده: MATTHIEU AIKINS

برگردان: اقبال غرجی بخش نخست

و نمی‌توانیم بسیار عمیق تیغه را به داخل غوزه وارد کنیم و هر کدام این غوزه‌ها را چهار یا پنج بار چاک می‌زنیم».

غوزه‌های تریاک در بعدازظهرها چاک می‌شوند و شیرهای آن در جریان شب بیرون می‌آید و به ماده‌ی سیاه‌گون مبدل می‌شود. هنگام صبح، نیشترزن بالای هر غوزه می‌رود و آن‌ها را جمع می‌کند. پانزده کارگر در یک هفته در یک هکتار زمین کار می‌کنند. وقتی که تنها در هلمند ۱۰۰۰۰۰ هکتار زمین تریاک کشت می‌شود، این حس به‌وجود می‌آید که برای این همه مزارع تریاک نیروی کار هم ضرورت است.

در جریان دو روز دیگر، حکمت مرا به زمین‌های اطرافی که تریاک کشت شده بودند، برد. در یک‌سوم حصه‌ی یک جریب زمین، ۶ نفر کار می‌کرد. در جریان سفر با یک دهقان کهن‌سال ریش‌سفید به‌نام حاجی عبدالله جان ملاقات کردیم. از وی پرسیدم که چرا در منقطه‌ی نسبتاً امن مثل مارجه که تحت کنترل دولت می‌باشد، هراسی از کاشتن تریاک ندارد؟ وی می‌گوید، «دولت سرگرم مسایل مربوط به انتخابات می‌باشد». با ذکر انتخابات بهار گذشته، اضافه می‌کند، «دولت در فساد نقش دارد». حاجی عبدالله و دهقان‌های دیگری که با آن‌ها صحبت کردم، برایم توضیح دادند که از هر جریب زمین مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ دلار به پولیس رشوه پرداخت می‌کنند. او با رضایتی که از کشت تریاک دارد، می‌گوید، «سال آینده، دو برابر کشت می‌کنم».

مارجه زمانی که نیروهای بحری آن‌جا مستقر بودند، عاری از کشت تریاک بود، به‌خاطری که امریکایی‌ها پول نقد برای مردم می‌دادند و کمپاین ریشه‌کن ساختن کشت خشخاش را به‌راه انداخته بودند. حالا کمک‌های خارجی تمام شده‌اند و دولت به‌خاطر مفاد شخصی خود، دهقانانی مثل میرزا خان و عبدالله را به‌خاطر کاشتن تریاک، جریمه‌ی نقدی می‌کند؛ قیمت گندم بسیار اندک است و مفاد کافی ندارد. بنابراین، در سال جاری، در تمام زمین‌های زراعتی مارجه تریاک کشت شده است.

در برگشت به خانه‌ی حکمت، از کاکای حکمت پرسیدم، آیا می‌تواند حاصل تلاش خود از کشت تریاک را به من نشان دهد؟ او با چمدانی که به اندازه‌ی توب فوتیال بود، برگشت و آن را بالای فرش انداخت. دهن چمدان را که با یک رابر زخمی بسته شده بود، باز کرد و طعم بوی ترش، فضای اتاق را احاطه کرد. در داخل آن پر از تریاک پخته با رنگ قوی قهوه‌ای و قطرات شبنم بود. وزن این مقدار تریاک حدود ده پوند است. از نیم جریب زمین همین قدر حاصل می‌گردد. او می‌گوید، ارزش این حدود ۶۰۰۰۰۰ دلار است. «اگر شانس یارم باشد، ممکن از این مقدار تریاک مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰ کدلار به‌دست بیاورم».

از میرزا خان پرسیدم، «آیا می‌دانی که ارزش این مقدار تریاک در خیابان‌های لندن چقدر است؟» وی نمی‌دانست و من یک محاسبه‌ی سریع انجام دادم. ده پوند تریاک به یک پوند هیرویین خالص تبدیل می‌شود. این مقدار را به ۳۰ درصد خالص مبدل می‌کنند و آن را به گرام می‌فروشند که ۱۵۰۰ گرام می‌شود. «این مقدار بیش‌تر از ۱۵۰۰۰۰۰ دلار ارزش دارد».

این یک نشانه‌گذاری ۲۵۰۰۰۰ درصدی است. لحظه‌ای به هم‌دیگر نگاه‌های خیره داشتیم. میرزا خان خنده کرد. او سر خود را به گونه‌ی حیرت‌انگیزی تکان داد. اتاق نشیمن‌شان مجلل و باشکوه بود؛ اما بدون میل، برق و لوله‌کشی. بدون شک مقدار هیرویینی که وی در تولید آن نقش دارد، بعضی از انسان‌ها را می‌کشد.

تریاک افغانستان از زمانی که دهقانان محصولات آن را می‌گیرند، یک سفر طولانی را با دخیل بودن شبکه‌ی قاچاق‌چیان جهانی، مقام‌های فاسد و شبه‌نظامیان قدرت‌مند آغاز می‌کند. در برگشت به مرکز ولایت - لشکرگاه - زمینه‌ی مصاحبه را با یک قاچاق‌چی مواد مخدر فراهم ساختیم که اصرار داشت مصاحبه در یک مکان بی‌طرف صورت گیرد. این شهر آرام است؛ اما تهدیدها در اطراف و اکناف شهر وجود دارند، هم از طرف مافیای مواد مخدر و هم از طرف شورشیان طالب.

در یک چای‌خانه‌ی کوچک در خیابان نسبتاً آرام، داخل اتاقی کوچک با فرش و دیوار بدشکل رفتم. در آن‌جا با یک شخص میان‌سال دارای ریش که کلاه عرقچین به‌سر داشت، معرفی شدم. به سمیع زنگ زدم. برایم گفت که شخص قاچاق‌چی از والوالی گرم‌سیر که نزدیک مرز پاکستان موقعیت دارد، می‌باشد. زمانی که جنگ با قشون سرخ آغاز شد، وی با میلیون‌ها افغان دیگر منحیت پناهنده از کشور فرار کردند. او در یک کمپ در نزدیک شهرک چیگی در پاکستان بزرگ شده است. بعد از اتمام صنف یازدهم، به کسب‌وکار رانندگی شروع کرد و در مسیر چیگی و گرم‌سیر کار می‌کرد. در این زمان او از صحراهای تریاک قاچاق می‌کرد. او برایم گفت، «پسته‌ی پولیس در یک‌جای وجود دارد و جاهای دیگر صحراها برای قاچاق‌بران آزاد می‌باشند».

افغانستان محاط به خشکه است و تریاک به پنج کشور مختلف که در همسایگی افغانستان وجود دارند، قاچاق می‌شود. در سال‌های اخیر، شاهراه شمالی که از طریق تاجیکستان به روسیه و اروپا وصل می‌شود، اهمیت ویژه کسب کرده است؛ اما شاهراه جنوبی که از بلوچستان می‌گذرد، هنوز مسیر عمده‌ی قاچاق مواد مخدر می‌باشد. از آن‌جا، تریاک به ایران قاچاق می‌شود، بعد به بندر بالکان، جزیره‌ی فارس و آفریقا انتقال داده می‌شود و قسمت بزرگ آن به اروپای غربی قاچاق می‌شود.

هلمند در جنوب افغانستان با داشتن دریای پهناورش که از لشکرگاه، مرکز این ولایت، شهر پوشیده از بوته‌زار، دارای فلکه‌ها و مارکیت‌های شیشه‌ای عبور می‌کند، نام‌دار است. زمانی که من در ماه آپریل از این شهر دیدن کردم، فضای آن‌جا طوری بود که گویا این وادی انتظار آمدن یک کشتی بزرگ را می‌کشد. در بازار، دکان‌ها پر از اشیای خشک، ماشین‌های دهقانی و موتورسیکلی بودند. در چای‌خانه‌هایی که پایین‌تر در قسمت جنوبی ولایت موقعیت دارند، جایی که افراد شب را در آن می‌گذرانند و هزینه‌ی نان شب را پرداخت می‌کنند، مهاجران کارگر شب را سپری و هزینه‌ی نان شب خود را می‌پردازند. بعضی‌ها از مناطقی که دورتر از ایران و پاکستان اند، به این‌جا می‌آیند. مکتب‌ها خالی بودند. در ولسوالی‌های در حال جنگ این ولایت، طالبان و پولیس به گونه‌ی یک‌سان مسلح اند. هنگامی که من به هلمند سفر کردم، زمان برداشت محصول کشاورزان بود.

در سراسر این ولایت، صدها هزار نفر برای برداشتن بزرگ‌ترین محصول تریاک در تاریخ افغانستان، سهم می‌گرفتند. در سال جاری ۲۲۴،۰۰۰ هکتار زمین تریاک کشت شده بود که یک رکورد جدید است. این کشور به‌صورت تخمینی ۶،۴۰۰ تن یا حدود ۹۰ درصد تریاک جهان را تولید می‌کند. مسئله‌ی مواد مخدر در سطوح بالای دولت افغانستان در هم پیچیده است و اقتصاد آن به گونه‌ی همانند تجارت کوکابین در عصر اسکو بار کلمبیا است. سهم قاچاق کوکابین و تولیدات ناخالص کلمبیا در اواخر سال ۱۹۸۰ شش درصد افزایش یافت. در حال حاضر در افغانستان نظر به برآورد سازمان ملل، صنعت تریاک ۱۵ درصد اقتصاد کشور را تأمین می‌کند و طوری به نظر می‌رسد که با رفتن غرب، افزایش می‌یابد. وندا فیلیاب براون، عضو ارشد مؤسسه‌ی بروکینگز که مصروف مطالعه‌ی اقتصاد غیرقانونی در مناطق جنگ‌زده می‌باشد، می‌گوید: «هر معنایی را که دولت مواد مخدر افاده می‌کند، اگر کشوری با این ویژگی وجود داشته باشد، آن افغانستان است. این در تاریخ بی‌پیشینه بوده است».

این حقیقت بیش‌تر تکان‌دهنده است که تجارت مواد مخدر بعد از تهاجم نظامی قوای ائتلاف به رهبری امریکا در افغانستان به گونه‌ی انکارناپذیری وخیم‌تر شده است. این کشور در حال حاضر دو مرتبه بیش‌تر از سال ۲۰۰۰ تریاک تولید می‌کند. چگونه این همه مزارع تریاک در زیر بینی یکی از بزرگ‌ترین قوای بین‌المللی و مأموریت توسعه‌ی عصر ما وجود دارد؟ پاسخ این سوال تا حدودی مربوط به معامله‌ی رییس جمهور پیشین افغانستان، حامد کرزی، برای تحکیم قدرت و بخشی از آن مربوط به ارتش ایالت متحده‌ی امریکا می‌شود که فساد متحان خود در ریشه‌کن ساختن طالبان را نادیده گرفته بود. قصه این است که در تعقیب جنگ علیه ترور، ما جنگ را به‌خاطر مواد مخدر توسط متحدانی که کشور را به بزرگ‌ترین منبع هیرویین تبدیل کردند، باختیم.

هیچ جای دیگر آشکارتر از این‌جا، یعنی هلمند، نیست؛ جایی که یک هزار نیروی امریکایی و ائتلاف در جریان جنگ زندگی‌شان را از دست دادند و به این ترتیب، بزرگ‌ترین خسارات را در این ولایت متحمل شدند. ولایت هلمند به تهای خود تقریباً نصف تولیدات تریاک افغانستان را به خود اختصاص می‌دهد. پولیس و دولت به‌صورت گسترده در تجارت مواد مخدر نقش دارند. اما به باور دولت افغانستان، تریاک تنها در مناطق تحت تسلط طالبان کشت می‌شود. جنرال عبدالقیوم باقی‌زوی، فرمانده پولیس هلمند گفت: «در ولسوالی‌های نزدیک تریاک کشت نمی‌شود، تریاک در ولسوالی‌های دور کشت می‌شود. آن‌جا امنیت نیست که شما از آن دیدن کنید».

با این‌حال، روز دوم در شهر با یک معلم ۲۸ ساله به اسم حکمت که نرم و ملایم صحبت می‌کرد، دیدار کردم. او می‌گوید که می‌تواند مرا به مناطق نسبتاً امن در خارج از شهر لشکرگاه، مارجه که در آن‌جا تریاک کشت شده است، ببرد. حکمت می‌افزاید که خانواده‌اش مصروف کسب و کار است. به هر حال، وی می‌گوید که فرصت دارد؛ دانش‌آموزان برای برداشت محصول به کار رفته‌اند.

روز بعد، من و حکمت از رودخانه‌ی پهناور هلمند عبور کردیم. در جاده‌ی اسفالت شده در مسیر غرب شهر به حرکت‌مان ادامه دادیم. خیلی سخت است که حالا تصور کنید، اما مارجه یک وقت یکی از مکان‌های جنگی بود. در سال ۲۰۱۰ نیروهای بحری با استفاده از قوای هوایی بر مناطق تحت کنترل طالبان در این‌جا عملیات می‌کردند. در حال حاضر، این منطقه صلح‌آمیز است؛ منطقه‌ی سبز، با زمین‌های کشاورزی هموار. زمان رانندگی در این مسیر، می‌توانید درختان افقی شکل با حاشیه‌های ابری در سراسر این منطقه را ببینید. هوا گرم بود و عطر و بوی اوایل تابستان را داشت. مارجه توسط کانال‌های متقاطع آبیاری می‌گردد. کنارهای آن با پوشیده از گیاه است. بچه‌های نیمه‌برهنه در داخل آب سرد که از اثر خیزری قهوه‌ای شده بود، خود را غوطه‌ور می‌کردند.

حکمت می‌گوید، «این مناطق قبیل از آمدن نیروهای بحری توسط طالبان اداره می‌شدند». وی که از روی علاقه تبسم بر لب داشت، گفت، «زمانی که نیروهای بحری اینجا بودند، خیلی خوب بود. امریکایی‌ها به گونه‌ی داوطلبانه برای مردم پول نقد می‌دادند که در پروژه‌ها و قراردادهای ساخت‌وساز سهیم شوند. نیروهای بومی ضدطالبان را تشکیل داده بودند و عساکری از کودکان تشکیل داده بودند که بر مزارع تریاک مالیات وضع کنند». ما مناطق وسیع خوف‌ناکی را طی کردیم که یک وقت پاسگاه نیروهای دریایی بود، ولی حالا همه‌ی آن‌ها این‌جا را ترک کرده‌اند».

در اصل، بیابان‌های خشن خالی غرب دریای هلمند در مارجه، با تطبیق پروژه‌های بزرگ آبیاری، به زمین‌های زراعتی مبدل شده بودند. این پروژه‌ها در سال ۱۹۴۶ آغاز و با حمایت اداره‌ی انکشاف بین‌المللی ایالت متحده (USAID)، منحیت بخشی از رقابت‌های جنگ سرد برای تأثیرگذاری علیه روسیه‌ی تزاری ادامه داشت. کوچی‌ها از اطراف و اکناف کشور در این‌جا اسکان داده شدند و زمین‌ها را با کشت گندم، خربوزه و انار حاصل‌خیز ساختند - چهار دهه قبل هم‌زمان با شروع جنگ‌ها، کشت خشخاش نیز شروع شد.

در برگشت بر روی یک جاده‌ی خاکی در مسیر خود از بین دیوارهای بلند گلی عبور کردیم و به ایستگاه رسیدیم. میرزا خان، کاکای حکمت که لباس بلند و گشاد به‌تن داشت و دارای ریش پاک و منظم بود، از ما پذیرایی کرد. در پشت سرشان مزرعه‌ی سبز تریاک وجود داشت. او و خانواده‌اش که تخم‌های سیاه روشن را می‌پاشیدند، در ماه نوامبر محصول‌شان را می‌گیرند. او می‌گوید، «من از انقلاب کمونیست‌ها به بعد تریاک می‌کارم».

پسر میرزا خان نیشتری که دارای چهار تیغه عمیق در نوکش می‌باشد را در دست داشت و در میان ساقه‌های بلندی که تا سینه‌اش می‌رسیدند، ایستاده بود. نیشترزنی کار پرزحمت و ظریفی است. وی در زمان چاک کردن، غوزه‌ی تریاک را با دست چپ خود می‌گیرد و تیغه‌ی نیشتر را با دست راست خود به غوزه‌ی تریاک می‌زند. او می‌گوید، «غوزه‌های تریاک را به گونه‌ی سطحی چاک می‌کنیم

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	نشن ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک بساله	۱۳۰۰ افغانی	نشن ماهه
				۲۵۰۰۰ افغانی	یک سناله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



Abdullah Watandar



بازی بافت-بافت افغانستان با پاکستان

در پی حمله‌ی اخیر طالبان پاکستان به مکتبی در پشاور و قتل بیش از ۱۰۰ کودک بی‌گناه، پاکستان ادعا کرد که این حمله از سوی طالبان پاکستانی که در ولایت کنر

افغانستان به سر می‌برند، طراحی و اجرا شده است. ظاهراً، تعدادی از ما افغانی‌ها از این حمله خوش‌حالیم و معتقدیم که پاکستان با ماری که در آستین پرورده است، گزیده شده است و امیدواریم که این‌گونه حملات به تغییر نگاه این کشور به طالبان و گروه‌های تروریستی بیانجامد. این‌گونه نگاه کردن، نشان می‌دهد که ما مثل پاکستانی‌ها از دیدن نقش خودمان در تداوم حضور و قدرت طالبان، چشم می‌پوشیم.

گزارش‌های جدی وجود دارند و در مواردی دولت افغانستان هم آن‌ها را تأیید کرده است که بخشی از طالبان پاکستانی در خاک افغانستان فعالیت می‌کنند و دولت افغانستان در زمان حامد کرزی، با آن‌ها به توافق رسیده بود. بر اساس این توافق، تا وقتی که آن‌ها به نیروهای افغانستان حمله نکنند، دولت افغانستان هم مزاحم فعالیت‌شان در خاک افغانستان نخواهد شد. این توافق با هواداران ملا فضل‌الله- مشهور به ملا رادیو- انجام شده است و متحدان بین‌المللی افغانستان هم بارها از آن انتقاد کرده‌اند.

اگر افغانستان توانایی استفاده‌ی ابزاری از این گروه‌ها را می‌داشت، می‌شد به این مسئله به شکل دیگری نگاه کرد؛ اما واقعیت آن است که دولت افغانستان توانایی این کار را ندارد و همین حالا عملاً بخش‌هایی از کشور در کنترل طالبان است، مخصوصاً مناطقی که در آن طالبان پاکستانی فعال اند، از جمله مناطقی در کنر. حضور طالبان پاکستان در خاک افغانستان، زمینه‌ی گسترش بیش‌تر ایدئولوژی طالبانی را در میان مردم افغانستان فراهم می‌کند، زمینه‌ی همکاری ارگانیک و نزدیک‌تر دو شاخه‌ی پاکستانی و افغانی طالبان را فراهم می‌کند و افغانستان را در گرداب بنیادگرایی طالبانی غرق خواهد کرد. برعکس طالبان افغانی، طالبان پاکستانی نمی‌توانند تهدید استراتژیک و ویرانگر برای پاکستان باشند. آن‌ها مشکلات جدی برای پاکستان خلق می‌کنند؛ اما هیچ‌گاه نمی‌توانند به تهدید وجودی برای کشور پاکستان تبدیل شوند. همین حالا، ارتش پاکستان در سراسر مناطق قبایلی، توانایی انجام عملیات و کوبیدن جدی طالبان را دارد. طالبان پاکستانی توانایی کنترل هیچ بخشی از خاک پاکستان را ندارند؛ اما طالبان افغانی در سراسر کشور حضور دارند و بخش‌هایی از قلمرو کشور را به‌صورت دائمی و بخش‌های وسیع‌تری را به‌صورت گاه و بیگاه در کنترل دارند. طالبان افغانی، همین حالا یک تهدید استراتژیک برای افغانستان هستند و توانسته‌اند یک بن‌بست نظامی را بر افغانستان تحمیل کنند.

با این حساب، بازی افغانستان با کارت طالبان در مقابل پاکستان، یک بازی باخت-باخت است و هیچ‌گونه بردی در آن برای افغانستان قابل تصور نیست. طالبان پاکستانی و افغانی، بخش‌هایی از یک شر خطرناک هستند و جدا دانستن و مفید و مضر پنداشتن‌شان، مخصوصاً توسط دولت افغانستان، دنباله‌روی از سیاست تروریست‌پروری پاکستان است؛ اما توسط دولتی که قدرت کنترل کامل قلمروش را هم ندارد.

Hafizullah Zaki



دنيا چقدر زود تغيير می‌کند. حتا همین فضای مجازی را ببینید که در یک شبانه‌روز تغییرات صد و هشتاد درجه‌ای را تجربه می‌کند. یکی دیروز شاد شاد بود؛ اما امروز غمگین غمگین و برعکس دیگری که دیروز دل شکسته و مهجور بود، امروز صاحب مقام و مشهور. تا دیروز فضای مجازی را تبلیغ اشخاص و افراد پر کرده بود و عکس‌های فرمایشی و جوراجور از ملاقات با مقامات گرفته تا نشستن بر کرسی قدرت و... در صفحات فیس‌بوکی به نمایش گذاشته می‌شدند. همه‌اش تریک و تریک‌بادی بود، همه‌اش تبلیغ و تلاش برای رسیدن به نان و مقام. آدم فکر می‌کرد که تمام مردم افغانستان، اعم از آن‌هایی که در داخل اند و آن‌هایی که در خارج از کشور پناهنده شده‌اند، خواب کرسی و شریک شدن در حکومت وحدت ملی را می‌بینند. به همین خاطر، راه رفتن، سخن گفتن و حتا دید و بازدید از دوستان برای آدم‌های ساده‌دلی مثل من، دشوار شده بود؛ چون نمی‌توانستم پرسش‌های دوستان را پاسخ گویم و پند و اندرزهای دل‌سوزانه‌ی‌شان را تحمل کنم. اما اگر فضای مجازی فیس‌بوک را ملاک قضاوت قرار دهم، فکر می‌کنم بسیاری دیگر نیز این روزها وضع و حال خوبی ندارند. سخن از سکوت، تحمل، درد، رنج و... بیش‌تر شده است. نمی‌دانم چه تغییری در واقعیت زندگی این افراد به‌وجود آمده که در این مدت این همه تغییر کرده‌اند.

۵. فلیل اسپر



کابل، زباله‌دانی است که در آن هفت میلیون زباله‌خوار با سر بلند نفس می‌کشند. در این‌جا همه‌چیز دست دوم، فرسوده، ناکارآمد، زاید و باطله است. از موترهای فرسوده‌ی نفت‌سوز گرفته تا لنگی رییس جمهور و چادری زنان و همه‌ی خوراکی‌ها و حتا آب و اکسیجن آن همه دست دوم است. دانش، سواد، روشنفکر، حزب، رسانه و اطلاعات، دولت و پول هم در کابل، تپاله و باطله‌هایی هستند که از مقعد همسایه‌ها و گرداندگان نظام جهانی بیرون افتیده‌اند. آب نوشیدنی در این شهر، شاش تصفیه‌ناشده‌ی هفت میلیون تفاله‌خواری است که در کوزه‌های زیر زمین متراکم شده و شهریان کابل با استفاده از حفره‌های چاه، از آن تغذیه می‌کنند. اکسیجن که مایه‌ی حیات است، در کابل به‌سختی پیدا می‌شود و مردم در این‌جا، برخلاف دیگر جانوران، با کاربن‌دای‌اکساید چرخ زندگی‌شان را به گردش می‌اندازند. لباس مورد نیاز مردم در کابل از پارچه‌هایی در صنایع لباس چین تولید می‌شود که این پارچه‌ها در هیچ جای دنیا به‌جز کابل افغانستان مشتری و خریداری ندارند. به همین ترتیب، دین و سیاست هم در این‌جا، تفاله‌های کشورهای هستند که با قدرت نفت و قدرت نظامی و سیاسی‌شان جهان یا بخشی از آن را مدیریت می‌کنند. احزاب، رسانه و نهادهای جامعه‌ی مدنی هم سرنوشت مشابه با دین و سیاست و دولت در کابل و افغانستان دارند. آدم‌های باطله و اضافی دیگر کشورها در کابل تبدیل به هرکول انتحار و انفجار می‌شوند و رانمای بهشت موعود برای آدم‌هایی که عقیده دارند، بهشت، زیستگاه بعدی انسان پس از مرگ است و خلاصه در کابل و گوشه‌های دیگر افغانستان همه‌چیز تفاله و باطله است و زندگی در این باطله‌دان بسیار دشوار و کمرشکن.



۱۰ درس حزب نازی آلمان!

گاز و نفت را برای ادامه‌ی مسیر صنعت و ارتش خود تأمین نمایند و بنابراین، مجبور بودند به جانشین‌های آزمایشگاهی اعتماد کنند. در پس جبهه‌ی شوروی، خاورمیانه‌ای قرار داشت با ذخایر عظیم نفت. در صورت پیشروی نیروهای آلمان به سمت خاورمیانه، آن‌ها می‌توانستند به‌راحتی به منابع نفتی در آن سوی کوه‌های قفقاز دست یابند. با این‌حال، اهداف آلمانی‌ها درست تعریف نشده بود. آن‌ها ترجیح می‌دادند خاک اوکراین و اروپای شرقی را فتح کنند. بنابراین، ایده‌ی فتح شوروی عملاً قابل اجرا نبود.

۴- یاغی مضحک امروز، می‌تواند دیکتاتور فردا باشد!

ماجرای به قدرت رسیدن هیتلر، محصول زمانه‌ای بود که او در آن می‌زیست و کمرتری مانند وی را می‌طلبید. با توجه به شرایط آن دوره، این سرنوشت، محتوم به نظر می‌آمد. با این‌حال، در همان زمان کسی باور نمی‌کرد که او قدرت چندانی بیابد. پیش از آن که فیلم‌های ناطقی از او منتشر شود، هیتلر درست مثل یک کم‌دین به نظر می‌رسید.

همه به قدرت رسیدن هیتلر را شوخی می‌پنداشتند تا آن که سخنرانی‌هایش را شنیدند و او هم‌زمان با انتشار آن‌ها، قدرت را در دست گرفت. او در اولین تلاش برای کودتا در مونیخ در سال ۱۹۲۳، نیرویی با بیش از هزار نفر را جمع کرده بود که تنها ۱۰۰ سرباز آن‌ها را متوقف کرده بودند. انقلاب کوچک او شکست مفتضحانه‌ای خورده بود. این که او چگونه از رهبری یک انقلاب ناکام به صدراعظمی رسید، خود یکی از نکات بحث‌برانگیز تاریخ است و این سابقه‌ی تاریخی هم مزیدی شد بر علت که کسی او را جدی نگیرد.

۵- ارتش، محرک اقتصادی بدی است!

گروهی بر این باورند که یکی از دلایل به قدرت رسیدن هیتلر، آن بود که او اهداف اقتصادی خود را بر اساس بهبود معیشت شهروندان تعریف کرده بود. اما در واقع، سیاست‌های اقتصادی پیش از آغاز جنگ، فاجعه‌بار بود. هیتلر، وارث نظام اقتصادی‌ای بود که به‌شدت وابسته به صادرات بود. از سوئی، او با تبعات تورم دهه‌ی بیست مواجه شده بود. اگر کامیابی‌های ابتدایی ارتش نبود، رایش سوم دچار درسه‌های فراوانی می‌شد و این موضوع نیز، به حقیقت اقتصاد بیمار آن زمان آلمان اضافه می‌گردید.

۶- افراد را به‌خاطر پیوستن به گروه‌های سیاسی مختلف، نکوهش نکنید!

خبر این حقیقت که پاپ بندیکت شانزدهم در ایام جوانی، عضو شاخه‌ی جوانان حامی هیتلر بود، باعث مناقشات و انتقادات تندی علیه کلیسای کاتولیک شد. اما باید به این حقیقت توجه کرد که برای جوانی به سن پاپ، عضویت در شاخه‌ی جوانان حامی هیتلر، اساساً اجباری بود. او هرگز برای حزب فعالیت خاصی انجام نداد و حتا در جلسات گروه شرکت نمی‌کرد. او به‌جای بهره بردن از منافع کوتاه‌مدت عضویت در حزب، پیش از آن که به‌عنوان یک نیروی مسلح در سال ۱۹۴۳ مشغول به خدمت شود، جزو نیروهای مردمی حامی حزب بود. به هر حال، او این سمت‌های جزئی را نیز در آپریل سال ۱۹۴۵ ترک کرد. این درس بزرگی برای ماست که شخصیت افراد را از روی عناوین اجباری قضاوت نکنیم.

۷- هرگز اجازه ندهید توهمات فردی، سیاست‌های ملی را تعیین نماید!

زمانی که حمله به لهستان در سال ۱۹۳۹ آغاز گردید، به نظر می‌رسید که ارتش آلمان به پختگی کامل نرسیده و برای انجام هدف، آماده نیست. مسلمانا دولت آلمان از مشکلات اقتصادی که پیش‌تر به آن اشاره گردید، آگاه بود و می‌دانست که نیروی هوایی و دریایی آلمان، برای رسیدن به هدف کفایت نمی‌کند. در واقع، هیتلر و دولتش حمله به لهستان را با این تفکر آغاز نمودند که قرار نیست در جبهه‌های دیگری

دهه‌های بسیار از سقوط حزب نازی گذشته، اما حقیقت آن است که کنش و منش هیتلر و پیروانش، هنوز برای علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی بسیار جذاب است. مطالعات جامعی در باره‌ی تفکرات، اهداف و شخصیت او صورت گرفته، اما این حقیقت که سخن گفتن در باره‌ی او هنوز مناقشات فراوانی را به همراه دارد، نشان می‌دهد هم‌چنان تا شناخت هیتلر راهی طولانی در پیش است. با گذشت سال‌ها، هنوز جنایات نازی‌ها می‌توانند تاریخ‌نگاران را متعجب سازند و وجهه‌هایی جدید از حقایق آن روزگار را نمایان کنند. با آن که آن جنایات مهیب، زشت یا بی‌معنا به نظر می‌آیند، در دل خود درس‌هایی دارند. چه در زمان شکست حزب نازی، چه در روزهای کامیابی شوم آن‌ها.

۱- اگر می‌خواهید تلاش کنید که بر جهان غلبه نمایید، به این تفکر متعهد باشید!

این تفکر در باره‌ی هیتلر بسیار مرسوم است که او را هم‌چون فرمان‌روایی تصویر نمایند که به اراده‌ی یک فرد تنها بسیار باورمند است و از هر روشی برای رسیدن به هدف استفاده می‌کند. اما حقیقت آن است که در مقاطع حساس دوره‌ی جنگ، ترکیب ارتش و صنعت آلمان به طرز نامیدکننده‌ی غیرهمسو با هم پیش رفتند و بخش هنگفتی از هزینه‌ها، صرف امور غیرنظامی می‌شد.

در واقع پیش از آن که آمریکا و شوروی در سال ۱۹۴۱ وارد کارزار گردند، بریتانیا به تنهایی موفق شده بود هماهنگی مناسبی میان صنعت و ارتش خود ایجاد کند و جنگ‌افزارهای بیش‌تری نسبت به دولت رایش سوم تولید کرده بود. «آلبرت اشپییر» ایده‌های کلیدی خود را در باره‌ی اقتصاد زمان جنگ، در سال ۱۹۴۲ ارائه داد و در این زمان، دشمنان رایش سوم قدرت‌مندتر و کارآمدتر از آن بودند که هیتلر شانسش برای پیروزی بر آن‌ها یابد.

۲- یک دوست ضعیف در هنگام قدرت، بهتر از دشمنی ضعیف در وقت آسیب‌پذیری است!

تاریخ نشان داد که حمله به شوروی در سال ۱۹۴۱، اشتباهی به مراتب بزرگ‌تر از حمله‌ی جاپان به پرل هاربر بود. با این وجود، اگر ارتش آلمان می‌توانست تنها ۱۰ مایل تا مسکو پیشروی کند، روحیه و ارتباطات دشمن تا حدود زیادی کاهش می‌یافت. اما آن‌ها برای رسیدن به این هدف، دو مشکل عمده داشتند. اول آن که برای فتح آن سرزمین وسیع، نیروهای خود را با تجهیزاتی ناچیز به میدان فرستاده‌بودند.

مشکل بزرگ‌تر اما این بود که تفکرات خنده‌دار نژادپرستانه‌ی‌شان سبب شده بودند که بیاندیشند، می‌توانند بسیاری از مردم شوروی را بر ضد حکومت خودکامه‌ای که بر کشورشان حکم می‌راند، بسیج نمایند. آن‌ها روی اثرات تاریخی جنایات حکومت شوروی در دهه‌ی سی بسیار حساب کرده بودند و می‌پنداشتند، یک فرد اهل شوروی ترجیح می‌دهد به‌جای مرگ از گرسنگی و در تبعید، با دشمن هم‌بیمان شود. محاسبات آن‌ها اشتباه درآمدند. به‌جای هزاران نیروی تازه‌نفس بالقوه، نازی‌ها با نیروهای مقاومت در پس جبهه‌های شرقی مواجه شدند.

۳- منابع قبل از ایدئولوژی می‌آیند.

کارشناسان تاریخی متفق‌القول هستند که درگرفتن جنگ میان روسیه و آلمان، غیرقابل اجتناب بود. اما وقتی در ۲۲ جون سال ۱۹۴۱ حمله آغاز شد، ارتش آلمان حتا با تعداد اندک‌تر نیروها با حمله‌ای برق‌آسا هم می‌توانست موفق شود. اما در این‌جا هم دو نکته وجود داشت؛ از دست دادن فرصت بزرگ برای پیروزی و ائتلاف زمان و انرژی. در طول جنگ، هیتلر با مشکلی عمده دست و پنجه نرم می‌کرد. او و دولتش نتوانسته بودند منابع کافی

هم درگیر شوند. هیتلر گفته بود که «وقت من اندک است». او در آن زمان ۵۰ ساله بود و از بیماری سفلیس رنج می‌برد. بنابراین، حمله‌ی حساب‌نشده به لهستان، زندگی کوتاه رایش سوم را تلخ‌تر هم نمود و بر اساس خودخواهی او صورت گرفت. هوا و هوس شخصی هیتلر، منجر شد که در سال ۱۹۴۵، فرمان نابودی زیرساخت‌های آلمان را بدهد. آلمان خوش‌اقبال بود که فردی مانند «آلبرت اشپییر» با درس‌هایی که از اوضاع آموخته بود، از این فرمان سرپیچی نمود.

۸- گاه بایستی تنها به شانس اعتماد کرد

حالت تدافعی ارتش فرانسه در سال‌های ۴۰، در حالی که ارتش آلمان به‌راحتی بلجیم را در اختیار خود درآورده بود، غیرمنطقی به نظر می‌آید. در واقع، کامیابی آلمانی‌ها در فتح فرانسه به دلیل ضعف مرزهای شمالی و دوری متفقین از این منطقه بود که نفوذ آلمانی‌ها را از جنگل انبوه «آرذنه» آسان ساخت. اگر کوچک‌ترین مقاومتی از سوی متفقین در برابر پیش‌روی ارتش آلمان صورت می‌گرفت، آن‌ها به‌آسانی متوقف می‌شدند.

جاده‌های منطقه‌ی جنگلی آرذنه تنگ بودند و بدترین جاده‌های اروپا برای رفت و آمد محسوب می‌شدند. نیروهای فرانسوی با اندکی هوشیاری می‌توانستند از این نکته به نفع خود استفاده کنند و نه تنها جلو پیش‌روی ارتش آلمان را بگیرند، که حتا با توجه به شرایط عقب‌نشینی را هم برای آن‌ها دشوار سازند. آلمانی‌ها، به فکتور شانس نیاز داشتند و در آن برهه‌ی زمانی هم بسیار خوش‌اقبال بودند.

۹- کار اجباری حتا برای آنانی که در قدرت هستند، وحشت‌ناک است

افرادی که توسط نیروهای نازی به کار اجباری گماشته شده بودند، اغلب اوقات ماهرانه علیه آن‌ها اقدام می‌نمودند. وقتی آزادی را از ملتی بگیرید، میل‌شان را به زنده ماندن از آن‌ها بروده‌اید. در نتیجه هراس از مرگ هم به کمترین میزان خود می‌رسد. آن‌ها که آزادی خود را از دست داده‌اند، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند.

حتا تمایل طبیعی به زندگی هم با ارزش آزادی رقابت نمی‌کند، بنابراین فرد بدون آزادی به هر روشی دست می‌یازد تا از ربایندگی آزادی‌اش انتقام بگیرد. مدارک زیادی وجود دارند که یهودیان اسیرشده، تمدا محصولات معیوب تولید می‌کردند. مجازات چین عملی، اعدام بود. در چین بمباران بریتانیا در سال ۱۹۴۴، ۳/۱ راکت‌هایی که روی اهداف فرود آمدند، به دلیل چنین خراب‌کاری‌هایی عمل نکردند. بدیهی است که استفاده‌ی برده‌وار از انسان‌ها، خود عملی ننگین محسوب می‌شود و افرادی که مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم معتقد به انجام چنین سوء استفاده‌های هستند، از مرزهای اخلاق تخطی نموده‌اند.

۱۰- حتا بنیان‌گذار مفهوم «نژاد برتر» نیز به این موضوع باور نداشت!

بدیهی است که غیرانسانی‌ترین عمل رایش سوم، قتل عام «افراد نامطلوب» بود. اما همیشه این موضوع مطرح است که طبق چه ملاک‌هایی «یهودیان» به‌عنوان نژاد پست در قوانین نژادپرستانه‌ی نازی‌ها در سال ۱۹۳۵ در نورنبرگ طبقه‌بندی شدند. گویا چنان تصمیم گرفته شده بود که دین فرد یا والدینش، آن قدر مهم نبود که دین نیاکانش، چرا که با چنین حسابی حتا کشیش‌های کلیساهای کاتولیک و پروتستان هم حداقل سه نیای یهودی داشتند! با این وجود، نیات پیشوا بایستی به تمام و کمال اجرا می‌شد. هیتلر می‌گفت، یهودی حق وجود و زندگی ندارد. بنابراین، این فرمان بایستی اجرا می‌شد، حتا اگر مضحک به نظر می‌آمد. حتا در آن زمان هم مردم می‌دانستند چنین قوانینی مضحک و بی‌پایه و اساس است. (برترین‌ها)



## نیمار: می توانیم ریال را در چمپیونز لیگ ببریم

بازیکن جهان است. او در این رابطه گفت: «برای من، بازی کردن با بهترین بازیکن جهان کار آسانی است. بازی کردن با بهترینها همیشه کار آسانی است. این یک افتخار برای من است. در زمان حضورم در برازیل، وقتی او را تماشا می کردم، الگوی من بود و حالا در کنار هم هستیم و می بینم که هر چیزی که به آن فکر کرده بودم به حقیقت پیوسته و این خیلی اتفاق خوبی است.»

شکست دهد. او گفت: «قهرمانی در چمپیونز لیگ آرزوی من از دوران کودکی است و البته، تصور آن با بارسا فوق العاده خواهد بود. ریال مادرید تیمی عالی با بازیکنان بسیار خوبی است، بهترینها در جهان و همچنین آنها خیلی خوب کار کرده اند. ولی من به هم تیمی ها و تیم مان ایمان دارم. فکر می کنم که می توانیم بهتر کار کنیم و مطمئنم قهرمان خواهیم شد.»

نیمار هم چنان معتقد است که مسی بهترین

نیمار، ستاره ی برازیلی بارسلونا عنوان کرد که تیمش می تواند ریال مادرید را در لیگ قهرمانان شکست دهد. اسپیدوشان که با پیروزی مقابل کروازول، بیست و یکمین پیروزی پیاپی خود را کسب کردند، فصل گذشته موفق شدند دهمین عنوان قهرمانی اروپا را کسب کنند. شاگردان آنچلوتی در فص جاری نیز عزم خود را جزم کرده تا برای یازدهمین قهرمانی بجنگند، ولی نیمار معتقد است که تیمش می تواند در لیگ قهرمانان ریال را

## پیگرینی: چلسی مثل آرسنال دچار افت خواهد شد

دارد. همه ی ما دیدیم که در نیم فصل دوم، این تیم دچار چه مشکلاتی شد. شاید آرسنال فصل گذشته، نمی توانست در نیم فصل دوم رقابت کند؛ ولی در مورد چلسی چیزی نمی دانیم. فکر می کنم ما فقط باید به تیم خودمان فکر کنیم و روی خودمان تمرکز کنیم. همیشه ایمان داریم که می توانیم امتیاز کسب کنیم؛ زیرا هنوز بازی های زیادی تا پایان پیش روی ماست. امتیازات زیادی برای جنگیدن پیش روی ماست. تیم ما همیشه به راه و سبکی که بازی می کند، ایمان دارد.»

مانویل پیگرینی، سرمربی منچستر سیتی عنوان کرد که ممکن است چلسی نتواند فرم خوب خود را حفظ کند و مانند آرسنال در فصل گذشته ناگهان دچار افت شود. آرسنال فصل گذشته در حالی که فصل را خیلی خوب شروع کرده بود، ناگهان دچار افت شد و در نهایت با ۱۶ امتیاز اختلاف نسبت به صدر جدول، لیگ را در رده ی چهارم به پایان رساند. پیگرینی مدعی شد که ممکن است چلسی هم به سرنوشت فصل گذشته آرسنال دچار شود. او گفت: «فکر می کنم آرسنال فصل گذشته شباهت خیلی زیادی به چلسی این فصل

## استرلینگ بهترین بازیکن جوان اروپا شناخته شد

به ثمر برساند. پس از دریافت این عنوان، او در مصاحبه با سایت لیورپول گفت: «این یک دست آورد فوق العاده برای من است. احساس بسیار خوبی برای خود و خانواده ام دارم. با تلاش و سخت کوشی این جایزه به دست آمد. این که مردم متوجه شدند من به سختی تلاش می کنم، بسیار خوب است. از دریافت این جایزه بسیار خوشحالم.» از دیگر کاندیدهای دریافت این عنوان می توان به جرار دئولوفو، مونیر الحدادی، ساندرو راسل، لوک شاول، عدنان یانوزای، لازار مارکوویچ و... اشاره کرد.

رحیم استرلینگ، ستاره ی لیورپول به عنوان بهترین بازیکن جوان اروپا در سال ۲۰۱۴ انتخاب شد و عنوان پسر طلایی اروپا را به دست آورد. عملکرد فوق العاده ی استرلینگ در فصل گذشته باعث شد تا لیورپول پایین تر از منچستر سیتی در رده ی دوم فصل را به پایان برساند. او همچنین در تیم ملی انگلیس نیز درخشان ظاهر شد و در جام جهانی و مقدماتی یورو ۲۰۱۶ حضور داشت. او در فصل جدید در پست های مختلفی به کار گرفته شده که در آخرین بازی، در نوک خط حمله بازی کرد و موفق شد مقابل بورنموت، ۲ گل

## آلگری: به تهوز استراحت نخواهم داد

دنیاست و با شرایط فعلی، کمی خستگی در او وجود دارد. ولی او بازیکن خیلی مهمی برای ماست و نمی توانیم به او استراحت دهیم. به علاوه، ما از سه شبه به تعطیلات می رویم. تهوز نیز وجود خستگی را تأیید کرد، ولی مدعی شد که می خواهد حتما مقابل ناپولی بازی کند. او گفت: «سوپرکپ خیلی مهم است. در این مقطع از فصل، کمی خستگی وجود دارد، هم فیزیکی و هم روحی. ولی باید یک بازی فوق العاده انجام دهیم.»

ماسیمیانو آلگری، سرمربی یوونتوس عنوان کرد که به کارلوس تهوز، مهاجم تیمش در دیدار سوپرکپ مقابل ناپولی، استراحت نخواهد داد. مهاجم آرژانتینی مقابل کالیاری ۸۶ دقیقه بازی کرد و موفق شد دهمین گل فصلش را بزند. حال یووه باید خود را آماده ی دیدار سوپرکپ کند که مقابل ناپولی در کشور قطر برگزار خواهد شد. آلگری عنوان کرد که قصد استراحت دادن به ستاره ی تیمش را ندارد. او گفت: «کارلوس یکی از بهترین مهاجمان

## هارت تا ۲۰۱۹ با منچستر سیتی تمدید کرد

باشگاه منچستر سیتی تأیید کرد جوهارت، دروازه بان ملی پوش این باشگاه، قراردادش با این باشگاه تا تابستان ۲۰۱۹ تمدید کرد. هارت برای امضای قرارداد جدید، بر سر دست مزد هفتگی ۱۵۰ هزار یورویی با مدیران منچستر سیتی به توافق رسید. هارت با ابراز خوش حالی از امضای این قرارداد جدید، به سایت باشگاه منچستر سیتی گفت: «خیلی خوشحالم. من مدت زیادی است که این جا هستم و می خواهم به همین مسیر ادامه بدهم. قرارداد جدید به معنای آن است که برای مدت بیشتری این جا خواهم ماند. باشگاه در حال حاضر در حال انجام کارهای فوق العاده ای است؛ ما تاریخ سازی کردیم و می خواهیم به همین مسیر ادامه بدهیم. این که می خواهم این جا بمانم، هیچ وقت یک مسئله برای من نبود. تک تک لحظاتی که در این باشگاه سپری کردم را دوست دارم. باشگاه در حال رشد است و من واقعا خوشحالم که بخشی از این روند هستم. من تنها می خواهم با تیم به موفقیت های بیشتر برسیم و به پیشرفت کردن ادامه بدهم. بازیکنان زیادی قرارداد طولانی مدت امضا کردند و فکر می کنم خیلی از ما برای سال های زیادی این جا خواهیم ماند.»

## اشتایگر: چند ماه بود ضربه ی آزاد تمرین نکرده بودم

باستین شواین اشتایگر، ستاره ی بایرن مونیخ، پس از گولزنی در دیدار مقابل ماینس، از فرانک ریبیری به دلیل این که اجازه داد ضربه ی آزاد را بزند، تشکر کرد. شواین اشتایگر که به تازگی به میادین برگشته، در دیدار جمعه شب گول تساو یبخش بایرن را با یک ضربه ی آزاد تماشایی وارد دروازه ی ماینس کرد تا در نهایت گول روین، سه امتیاز را نصیب باوریایی ها کند. شواینی تأیید کرد که در چند ماه اخیر روی ضربات آزاد کار نکرده بود؛ اما ریبیری اجازه داد تا آن ضربه ی آزاد را به سمت دروازه ی حریف شلیک کند. او به خبرنگاران گفت: «از این که توانستیم گولی که برای پیروزی نیاز داریم را به ثمر برسانیم، خوشحالیم. کار آسانی نبود؛ اما اراده ی ما سرنوشت ساز شد. واقعا بعد از جام جهانی دیگر زدن ضربات آزاد را تمرین نکرده بودم؛ اما ریبیری یک جنتلمن است و اجازه داد تا من ضربه را بزنم. کسب این پیروزی خوب بود و حالا با خیال راحت به تعطیلات می رویم.»

## تمجید گواردیولا از رکوردشکنی شاگردانش

او گفت: «ماینتس خیلی خوب کار کرد و تا نیمه عالی بود. ما در نیمه ی اول چندین مشکل داشتیم، ولی در نیمه ی دوم بازی را در دست گرفتیم. از این پیروزی خوشحالم. ولی من واقعا از این که در فصل بعد از جام جهانی، این قدر خوب کار کرده ایم، خیلی خوشحالم. مهم نیست به کجا می رویم. همیشه با شور و شوق بازی می کنیم، ولی حالا باید آرام باشیم و خودمان را آماده ی نیم فصل دوم کنیم.»

پپ گواردیولا، سرمربی بایرن، پس از رکوردشکنی تیمش در دیدار مقابل ماینس، به تمجید از شاگردانش پرداخت. بایرن که فصل گذشته رکورد امتیازات بوندس لیگا را شکسته بود، این فصل در نیم فصل، امتیازات بیش تری نسبت به فصل گذشته کسب کرده است. گواردیولا عنوان کرد که تیمش در ۴۵ دقیقه ی اول دچار مشکل بود، ولی در نیمه ی دوم، بازی را در دست گرفتند و موفق شدند در دقایق پایانی، گولزنی کنند.

## براوو: تراشتگن در دوران یادگیری به سر می برد

کلودیو براوو، تابستان امسال به بارسلونا پیوست و با نمایش های خوبش باعث شد تا جدایی ویکتور والدس از بارسا چندان به چشم نیاید. براوو در این فصل، با کلین شیت های متوالی خود در بارسلونا، رکوردشکنی کرد و یکی از عوامل اصلی ثبت رکورد بهترین خط دفاعی لالیگا برای بارسلونا بوده است.

دروازه بان شیلیایی بارسا در مصاحبه با رادیو ADN، در مورد رقابت با تراشتگن و شرایط بارسلونا گفت: «این مسئله که من دروازه بان اصلی بارسا در لالیگا هستم و تراشتگن در لیگ قهرمانان دروازه بانی می کند، باعث آزدگی من نشده است. خیالم راحت است و از این بابت مشکلی ندارم. بچه که نیستم.

می دانم که وقتی در لیگ قهرمانان، تراشتگن دروازه بان است، باید از او حمایت کرده و به او روحیه بدهم. با تراشتگن ارتباط بسیار خوبی دارم. برخی به دنبال پیدا کردن اختلاف بین ما هستند اما چیزی وجود ندارد. او جوان با استعدادی است و در دوران یادگیری به سر می برد.»

وی ادامه داد: «در مجموع، همان کاری را انجام می دهم که در سوسیه داد انجام می دادم. با این تفاوت که بارسا تیم بزرگ تری است و فشار بیش تری نیز وجود دارد. مجبورم گاهی خیلی به جلو بیایم تا بتوانم توپ ها را جمع کنم؛ چرا که بارسا تیمی تهاجمی است و مدافعین ما گاه تا مرکز زمین جلو می روند.»

مارسلو بیلسا، سرمربی المپیک ماری، معتقد است که در لیگ فرانسه، بهترین بازیکنان دنیا حضور دارند. بیلسا که در تابستان گذشته هدایت ماری را برعهده گرفت، در این فصل نتایج بسیار خوبی با این تیم کسب کرده و تیمش اکنون در صدر جدول لوشامپیونا قرار دارد.

قهرمانی ماری در چمپیونز لیگ در سال ۱۹۹۳، تنها قهرمانی فرانسوی ها در این رقابت ها بود اما بیلسا معتقد است که بهترین بازیکنان دنیا در این لیگ بازی می کنند. او به خبرنگاران گفت: «فکر می کنم فوتبال فرانسه بهترین بازیکنان را در دنیا دارد. بهترین تیم های دنیا از این جا بازیکنان شان را می خرند.»

## بیلسا: بهترین های دنیا در فرانسه بازی می کنند

بعد از شکست هفته ی گذشته ی ماری، مقابل موناکو، رسانه های فرانسوی از خستگی شاگردان بیلسا نوشتند؛ اما مربی آرژانتینی چنین ادعایی را قبول ندارد: «در دیدار مقابل موناکو، بازیکنان من بیش از سایر دیدارهای این فصل دویدند. روزنامه ها می گویند که تیم خسته است. این اشتباه است. بازیکنان دایما در حال دویدن و پرسینگ بودند. به نظر می رسد روزنامه نگاران بازی ها را تماشا نمی کنند.» بیلسا هم چنین در مورد ملاقات با زیدان گفت: «زیدان اسطوره ی زنده ی فوتبال است. من به او مانند یک مجسمه که زنده شده، نگاه می کردم. بودن در کنار زیدان و صحبت کردن با او فراموش نشدنی بود.»



## چهار زندانی زندان گوانتانامو به حکومت تحویل داده شدند

**اطلاعات روز:** دولت امریکا دیروز اعلام کرد که چهار زندانی افغان از زندان گوانتانامو را به حکومت این کشور تحویل داده است. در خبرنامه‌ی دفتر رسانه‌های سفارت امریکا در کابل به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است که این انتقال به تاریخ ۲۰ دسامبر انجام شده است. امریکا این اقدام خود را گامی به سوی هدف باراک اوباما در مورد بستن زندان گوانتانامو خوانده است.

در این خبرنامه آمده است که امریکا به توانایی حکومت افغانستان در جلوگیری از هرگونه تهدید احتمالی توسط این افراد و رفتار انسانی با آن‌ها، اطمینان کامل دارد. امریکا می‌گوید، تحویل‌دهی این چهار زندانی نشان‌دهنده‌ی اعتمادش به توانایی نهادهای حکومتی افغانستان است.

این کشور ابراز امیدواری کرده که این انتقال در تقویت روابط دو کشور مفید واقع شده و فرصت گفت‌وگوهای سیاسی بین حکومت و مخالفان مسلح افغانستان را فراهم نماید. در خبرنامه آمده است که امریکا مصالحه‌ی به رهبری افغان‌ها را مطمئن‌ترین راه پایان دادن به خشونت‌های افراطی و اطمینان یافتن از امنیت دوامدار برای افغانستان و منطقه می‌داند. در این خبرنامه، امریکا از گفت‌وگوهای

## توافق تازه بین افغانستان، پاکستان و نیروهای ائتلاف؛ عملیات سه‌جانبه علیه طالبان راه‌اندازی می‌شود

صحبت شده که پس از این باید تمام عملیات‌ها برای از بین بردن مخفی‌گاه‌های تروریستان در دوسوی سرحد، در هم‌آهنگی انجام شوند. اما او می‌گوید که با جانب پاکستان توافق شده تا فرماندهان محلی [دو کشور] با هم‌دیگر آشنا شوند؛ این قدم نخست برای اعتمادسازی است. کریمی گفت که بین دو کشور توافق شده که قبل از راه‌اندازی عملیات علیه طالبان، جانب افغانستان را آگاه کنند، تا از فرار طالبان در خاک ما جلوگیری شود.

رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان یک روز بعد از حمله‌ی طالبان بر یک مکتب نظامی در شهر پشاور برای مذاکره با مقام‌های حکومتی وارد کابل شد. رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند، راجل شریف در دیدار با مقام‌های افغان گفته است که جنگ‌جویان طالبان در جریان حمله بر این مکتب با رهبران‌شان در افغانستان تماس تیلیفونی داشته‌اند.

در این عملیات طالبان بیش از ۱۳۰ تن در پاکستان کشته شدند. پاکستان یکی از عاملان این رویداد ملا فضل‌الله را معرفی کرده است. پاکستان احتمال داده که این رهبر طالبان در مناطق شرقی افغانستان زندگی می‌کند. این کشور از مقام‌های حکومتی خواسته است که در قسمت نابودی این رهبر طالبان با پاکستان همکاری کنند.

در همین حال، روزنامه‌ی اکسپرس تریبون هند گزارش داده است که بین رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان و نیروهای بین‌المللی در افغانستان توافق شده که برای هدف قراردادن ملا فضل‌الله، رهبر طالبان پاکستانی، از طیاره‌های بی‌سرنشین استفاده شود. مقام‌های حکومتی هنوز در این زمینه واکنش نشان نداده‌اند.

اطلاعات روز: گزارش‌ها حاکی از آن اند که بین افغانستان، پاکستان و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا روی عملیات مشترک علیه طالبان در نقاط مرزی توافق شده است. یک مقام وزارت امور خارجه‌ی پاکستان به خبرگزاری ترکیه گفته است که این توافق در سفر اخیر راجل شریف، رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان به کابل صورت گرفته است.

این مقام پاکستانی که خواسته نامش در خبر ذکر نشود، می‌گوید که این توافق بین جنرال جان کمبیل، فرمانده نیروهای مسلح امریکا و ناتو در افغانستان، شیر محمد کریمی، رییس ستاد مشترک ارتش افغانستان و جنرال راجل شریف، رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان صورت گرفته است. سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر پاکستان نیز گفته است که بر اساس توافق تازه‌ی پاکستان، افغانستان و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا قبل از حمله بر مواضع گروه طالبان، به یک‌دیگر اطلاع داده می‌شود. به گفته‌ی او، این عملیات سه‌جانبه بر اساس تشریح اطلاعات استخباراتی پیش برده می‌شود. سرتاج عزیز تأکید کرده است که بر اساس این توافق، وقتی افغانستان عملیات را علیه طالبان راه‌اندازی کند، به پاکستان اطلاع خواهد داد و زمانی که نظامیان پاکستان عملیات را آغاز کند، به حکومت افغانستان معلومات ارائه خواهد کرد. در همین حال، مقام‌های وزارت دفاع در واکنش به این اظهارات گفته‌اند که در زمینه‌ی یاد شده تفاهمی با پاکستان نشده است.

اما جنرال شیر محمد کریمی، رییس ستاد مشترک ارتش کشور دیروز در واکنش به به این خبر به رادیو آزادی گفته است، با مقام‌های پاکستانی تنها روی این موضوع

گوانتانامو، نشان‌دهنده‌ی حمایت امریکا از روند صلح است. حکومت در جریان سال‌های گذشته شمار زیادی از زندانیان طالب را که از امریکا تحویل گرفته، رها کرده است. شمار زیادی از این زندانیان دوباره به خط جنگ برگشته‌اند و علیه نیروهای امنیتی جنگیده‌اند. چندی پیش رحمت‌الله نبیل، سرپرست امنیت ملی گفت، یک انتحاری را سه بار بازداشت کرده‌ایم، اما دوباره رها شده است.

سیاسی به رهبری افغان‌ها که در آن تمام گروه‌های مسلح مخالف دولت، به‌شمول طالبان، اشراک داشته باشند، حمایت کرده است. در خبرنامه آمده، طالبان و دیگر گروه‌های مسلح باید به خشونت‌ها پایان دهند، روابطشان با القاعده را قطع کنند و قانون اساسی افغانستان، به‌شمول حمایت آن از زنان و اقلیت‌ها را بپذیرند. بر اساس خبرنامه‌ی سفارت امریکا در کابل، تحویل‌دهی این چهار زندانی زندان

برای فعال ساختن:  
در صفحه پیام 3G نوشته و به ۱۵۲ ارسال نمایید

با افغان بیسیم سرعت واقعی 3G را تجربه نمائید  
Experience the true speed 3.75G+

۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰  
یا ۱۵۲  
[www.afghan-wireless.com](http://www.afghan-wireless.com)

افغان بیسیم  
AFGHAN WIRELESS